

فارسی یازدهم

فارسی دهم

درنامه	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	درس	درنامه	پرسش‌های چهارگزینه‌ای	درس
۴۱۵	۱۷۳	تأیید	۳۴۸	۱۰	تأیید
۴۱۶	۱۷۹	کلمه	۳۵۰	۱۵	کلمه
۴۲۱	۱۹۰	دوم	۳۵۵	۲۵	دوم
۴۲۵	۲۰۳	سوم	۳۵۸	۲۵	سوم
۴۲۹	۲۱۲	پنجم	۳۶۲	۴۵	پنجم
۴۳۴	۲۲۱	ششم	۳۶۶	۵۴	ششم
۴۳۸	۲۳۲	هفتم	۳۷۰	۶۳	هفتم
۴۴۴	۲۴۵	هشتم	۳۷۴	۷۵	هشتم
۴۴۹	۲۵۷	نهم	۳۷۷	۸۴	نهم
۴۵۵	۲۷۰	دهم	۳۸۱	۹۳	دهم
۴۵۹	۲۷۸	یازدهم	۳۸۴	۱۰۱	یازدهم
۴۶۳	۲۸۶	دوازدهم	۳۸۸	۱۰۹	دوازدهم
۴۶۹	۲۹۸	چهاردهم	۳۹۳	۱۱۹	سیزدهم
۴۷۵	۳۰۷	پانزدهم	۳۹۸	۱۲۹	چهاردهم
۴۷۹	۳۱۸	شانزدهم	۴۰۲	۱۳۹	شانزدهم
۴۸۵	۳۲۷	هجدهم	۴۰۶	۱۵۱	هجدهم
۴۸۷	۳۳۵	بجدهم	۴۰۹	۱۵۸	بجدهم
۴۹۱	۳۴۲	بیستم	۴۱۲	۱۶۷	بیستم

درس نهم

دروی عاشقان

سؤالات و اطّالعه

۲۰۱۶- عبارت زیر، معنای کدام واژه نیست؟

«آن که مراحل سیر و سلوک را پشت سر گذاشته و سالکان را هدایت و راهنمایی می کند.»

- (۱) مراد (۲) پیر (۳) مرید (۴) مرشد

۲۰۱۷- معنای صحیح واژه‌های «زهد - عازم - شبگرد - ملک» به ترتیب در کدام گزینه دیده می شود؟

- (۱) پنددادن - رهسپار - شبرو - شاه
(۲) پارسایی - راهی - شبرو - فرشته
(۳) اندرز - روانه - دزد - سلطان
(۴) پرهیزگاری - رهسپار - گدا - فرشته

۲۰۱۸- معانی ارائه شده برای کدام دو واژه، کاملاً صحیح است؟

- (الف) مناسک: آیین‌های مذهبی، اعمال عبادی
(ب) شریعت: راه دین، طریقت
(ج) رضوان: بهشت، نام فرشته‌ای که نگهبان بهشت است.
(د) خوش لقا: نیکوسیرت، خوش‌سیما
(۱) الف - ج (۲) ب - د (۳) ب - ج (۴) الف - د

۲۰۱۹- معنای چند واژه نادرست است؟

(تشییع: همراهی کردن جنازه تا گورستان) - (شریعت: آیین) - (محضر: بارگاه خداوندی) - (مرشد: مقابل سالک) - (متفق: همسو و موافق) -

(کبریا: افلاک) - (صنم: بُت) - (قَدَسُ اللّٰهُ رُوْحَهُ الْعَزِيزُ: پاک و منزّه است خداوند عزیز)

- (۱) چهار (۲) یک (۳) دو (۴) سه

۲۰۲۰- در کدام عبارت، غلط املایی دیده نمی شود؟

- (۱) هنگامی که بهاء‌ولد، مناسک حج را به پایان برد، در بازگشت، به طرف شام روانه گردید و مدّتی در آن نواهی به سر برد.
(۲) جلال‌الدین، روزها به شغل تدریس می گذرانید و مردم روزگار بر تقوا و دهد او متفق بودند.
(۳) مولانا در دمشق، پیوسته به افغان و زاری و بی‌قراری، شمس را از هر کوی و برزن جست‌وجو می کرد.
(۴) یاران مولانا هم که پژمرده‌گی و دل‌تنگی او را در غیبت شمس دیده بودند، از کردار خود پشیمان شدند و مولانا عذرشان را پذیرفت.

۲۰۲۱- در متن زیر، املائی چند کلمه نادرست است؟

«محمّدبن حسین خطیبی، معروف به «بهاء‌الدین» به سبب هراس از بی‌رحمی و کشتار مغول و رنجش از خوارزم‌شاه ناچار از بلخ مهاجرت کرد. آوازه تقوا و فضل و تأثیر بهاء‌ولد همه جا را فراگرفت. مولانا به اصرار مریدان، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت. مدّتی در شهر حلب به تحصیل علوم پرداخت. در قونیه، طالبان علوم شریعت در محضر او حاضر می شدند. چون یاران مولانا به آزار شمس برخاستند، وی عزم کرد که دیگر بدان شهر پُرعوقاً باز نیاید. حسام‌الدین از مولانا خاست کتابی به طرز «الهی‌نامه» یا «منطق‌الطّیر» به نظم آرد. ناسزای خصمان را هرگز جواب تلخ نمی داد. اهل قونیه، از خورد و بزرگ، در تشییع پیکر مولانا حاضر شدند.»

- (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۲۰۲۲- در بیت «عشق غالب شد و از گوشه‌نشینان سلاح / نام مستوری و ناموس کرامت برخواست»، املائی واژه، غلط است.

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۰۲۳- همه ابیات، به استثنای بیت گزینه فاقد غلط املایی اند.

- (۱) آمد موج آست، کشتی قالب بیست
(۲) با رخ تو خواهش حور و قصور
(۳) صدرش چو باغ رضوان یا صُفّة سلیمان
(۴) ورق حُسن، محال است نگردد «صائب»
باز چو کشتی شکست نوبت وصل و لقا است
محض گناه است و قصور ای صنم
کز منطق‌الطّیورش الهان تازه بینی
هیچ متبوع ندیدیم که تابع نشود

موی ۲۰۳۲- در کدام عبارت غلط املائی دیده می‌شود؟

- (۱) تنی چند از روندگان متفق سیاحت بودند و شریک رنج و راحت. خواستم تا موافقت کنم موافقت نکردند. گفتم: از کرم و اخلاق بزرگان بدیع است روی از مصاحبت مسکینان تافتن و فایده دریغداشتن ...
- (۲) حاکم، این سخن عظیم بیسندید و اسباب معاش یاران فرمود تا به قاعده ماضی مهیتا دارند. شکر نعمت بگزاردم و عذر جسارت بخواستم و درحال بیرون آمدم.
- (۳) هزاران داستان حمد و ثنا از زبان مرغان بهارستان عشق و وفا که از منابر اغصان (شاخه‌های) فضل و احسان به حسن اصوات و طیب الحان، علی‌الدوام خوانند و به مسامح حاضران مجامع قدس و ناظران مناظر اُتس رسانند.
- (۴) علما گویند: «مقام صاحب مرّوت به دو موضع ستوده است: در خدمت پادشاه کامران مکرم، یا در میان زُهّاد قانع محترم». کلبه گفت: ایزد تعالی خیر و خیرت و صلاح بدین عزیزت، مقرون گرداناد.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

موی ۲۰۳۳- در کدام بیت، غلط املائی یافت می‌شود؟

- (۱) محل نور تجلی است رای انور شاه
(۲) لب تو خضر و دهان تو آب حیوان است
(۳) نزدیک یار اگر نه چنین خوار و خردمی
(۴) راحت جان باشد از آن قبضه تیغ

موی ۲۰۳۴- در جملات زیر، املائی کدام واژه‌ها غلط است؟

- «مردن به علّت په که زندگانی به مذلت. کوتاه‌نظران را بدین علّت زبان طعن دراز گردد. بر خردمند واجب است که به قضای آسمانی ایمان آرد و جانب حزم مهمل نگذارد. درویشی، اصلِ بلاها و زایل‌کننده زور و حمیت و مجمع شرّ و آفت است. اگر نقض عهدهی کنم که بسته‌ام، وذر آن تا ابد در گردن من بماند. چکاوک نوای غریب نواخته و سفیر الحان هزاردستان، هنگامه لهُو و طرب گرم کرده.»
- (۱) حمیت - مذلت - غریب
(۲) نقض - قضا - زایل
(۳) نگزارد - سفیر - وذر
(۴) الحان - طرب - لهُو

موی ۲۰۳۵- در متن زیر املائی کلمات کدام گزینه، همگی نادرست است؟

- «... مَلِک‌زاده دُورِ زمان را به امن و امان قرین ساخت و خُرد و بزرگ را به فضل و رأفت نواخته، در تمامت مُلک پدر سیر و تفرّج نمود و هر جا چشم گشوده پرتو حسن در فضای بسیط تابان بود و مقامی دلگشای را طالب و خواهان تا به موضعی رسید؛ مقامی دلکش و نقض دید و فضایی خرم و سبز و این موضع محلی بود از نواهی شرق در غایت نزهت و صفا که بر جانب جنوبش دو نهر عظیم جاری بود، و هر سو چشمه خوشگوار و هر جا بیشه و مرغزاری که رشک چشمه حیوان بود و جفت روضه رضوان. آرزوی بنایی مُعظّم در دل وی خاست؛ پس عظیمت استوار کرد و عمارتی برقرار.»
- (۱) نواهی - نقض - عظیمت
(۲) عظیمت - خاست - نقض
(۳) مرغزار - عمارت - خاست
(۴) نواهی - رأفت - نقض

عزیزت منایی

۲۰۳۶- شاعر در همه ابیات زیر، به جز انسان را به «عروج» فرامی‌خواند. (تهبری ۸۱)

- (۱) از مه او مه شکافت، دیدن او برتافت
(۲) خود ز فلک برتریم، وز ملک افزون‌تریم
(۳) خلق چو مرغابیان زاده ز دریای جان
(۴) هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست

۲۰۳۷- عبارت «زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) نالییدن عاشقان دلسوز
(۲) بر من گذر نکرد شی کاشتیاق تو
(۳) دل درون سینهام در آتش غم درگرفت
(۴) تنم از واسطه دوری دلبر بگداخت

۲۰۳۸- مفهوم کدام بیت با عبارت «در این میان با بی‌توجهی به ملامت و هیاهوی مردم خود را با سرودن غزل‌های گرم و پر سوز و گداز

عاشقانه سرگرم می‌کرد.» متناسب است؟

- (۱) مکن به نامه‌سیاهی ملامت من مست
(۲) بدان رو عشق می‌ورزم دگر فاش
(۳) کنج عزلت بنشستم ز سخن لب بستم
(۴) سر خود در قدم دشمن خود بگذارم
- که آگه است که تقدیر بر سرش چه نوشت؟
مرا از طعنه مردم چه بیم است
لیک دانم همه‌جا بانگ و هیاهوی من است
می‌زنم بوسه کف پای ملامتگر خویش

۲۰۳۹- بیت «خود ز فلک برتريم وز ملک افزون تريم / زين دو چرا نگذريم منزل ما کبرياست» با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) بعد از هزار سال به بام زحل رسد
- ۲) چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است
- ۳) باز برآورد عشق، سر به مثال نهنگ
- ۴) چون در شوی در باغ دل، مانند گل خوشبو شوی

۲۰۴۰- کدام گزینه با بیت «بروید ای حریفان بکشید یار ما را / به من آورید آخر صنم گریزیا را» ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) صنما جفا رها کن، کرم این روا ندارد
- ۲) گر نثار قدم یار گرامی نکنم
- ۳) آن که بی جرم برنجید و به تیغ زد و رفت
- ۴) سعدیا با یار عشق آسان بود

۲۰۴۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) یا رب آن آهوی مشکین به ختن بازرسان
- ۲) ماه و خورشید به منزل چو به امر تو رسند
- ۳) سخن این است که ما بی تو نخواهیم حیات
- ۴) آن که بودی وطنش دیده حافظ، یا رب

۲۰۴۲- بیت «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن / ترک من خراب شبگرد مبتلا کن» با کدام گزینه تقابل مفهومی دارد؟

- ۱) کنون در حال من بنگر که عاجز گشتم و مضطر
- ۲) ساقی قدحی زان می دوشینه به من ده
- ۳) به جز از شمع کسی بر سر بالینم نیست
- ۴) خواب در عهد تو در چشم من آید؟ هیهات!

۲۰۴۳- مفهوم بیت «برای من مگر و مگو دریغ! دریغ! / به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد» با مفهوم کدام بیت ارتباط دارد؟

- ۱) غم خود خور به روز شادمانی
- ۲) بی حسرت از جهان نرود هیچ کس به در
- ۳) بازی است عمر ما به جهان اندر ای پسر
- ۴) سنگ اگر در مرگ عاشق خون نمی‌گرید چرا

۲۰۴۴- عبارت «با همه علم و استادی خویش در این ایام که حدوداً سی و هشت ساله بود، خدمت شمس زانو زد و نوآموز گشت.» با همه

گزینه‌ها، به جز بیت قرابت دارد.

- ۱) عشق تو منسوخ ساخت، دفتر علامگی
- ۲) گُتُب شویم چو کودک، تخته خویش
- ۳) حرف استادان عشق است این که در بازار عشق
- ۴) مکتب عشق تو هست، مسکن صد بوعلی

۲۰۴۵- عبارت زیر با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

«طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حسن خلق آنان را به راه راست می‌آورد.»

- ۱) آب صاف و تیره «صائب» دشمن آینه است
- ۲) با درشتان تندخویی کن که ناهموار را
- ۳) درشتان را ملایم‌طینتی‌هایم خجل دارد
- ۴) گو تُش‌روی باش و تلخ‌سخن

۲۰۴۶- مفهوم «ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم / باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست» با کدام بیت متناسب نیست؟ (هنر ۹۰)

- ۱) طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق
- ۲) تو را ز کنگره عرش می‌زنند صغیر
- ۳) که ای بلندنظر شاهباز سدره‌نشین
- ۴) بزمگاهی دلنشین چون قصر فردوس برین

۲۰۴۷- مفهوم «ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم / باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست» با کدام بیت ارتباط دارد؟

- ۱) ز فرّ طلعت تو هر شب آفتاب فلک
 - ۲) تا قامت بلند تو در جلوه آمده است
 - ۳) تو کدام شاهبازی که ندانم نشیمن
 - ۴) بگسل این دام هوس ای مرغ قدسی‌آشیان
- همی سجود کند طلعت منیر تو را
مرغان قدس از سر طوبی پریده‌اند (طوبی: درختی در بهشت)
چه کنم که مرغ فکرت نرسد به آشیان
گر دو عالم بایدت در زیر شهر داشتن

۲۰۴۸- بیت «به روز مرگ چو تابوت من روان باشد / گمان مبر که مرا درد این جهان باشد» با کدام گزینه از نظر مفهوم تناسب دارد؟

- ۱) مرگ تلخ و زندگی هم سربه‌سر درد و غم است
- ۲) پس از مرگ آن کس نباید گریست
- ۳) مرا که دل ز هوای تو پر شده است چه غم
- ۴) به روز واقعه تابوت ما ز سرو کنید

پشت و روی کار عالم هیچ‌گه دلخواه نیست
که روزی پس از مرگ دشمن بزیت
اگر بمیرم و از من شود جهان خالی
که می‌روییم به داغ بلندبالایی

۲۰۴۹- بیت «کدام دانه فرورفت در زمین که نرست؟ / چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟» با کدام گزینه تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱) می‌کند هستی فانی تو را باقی، مرگ
- ۲) درین مزرع که دارد ریشه از ساز گرفتاری
- ۳) چو دانه‌ای که بمیرد هزار خوشه شود
- ۴) تو جان جان جانی از مرگ جسم مگریز

تو چه از دولت جاوید گریزان شده‌ای؟
اگر یک دانه افتد بر زمین، صد دام می‌خیزد
شدم به فضل خدا صد هزار چون مردم
جان تو نیست فانی، مندیش ز ارتحالش (== سفر او)

۲۰۵۰- مفهوم آیه کریمه «إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا...» در همهٔ گزینه‌ها به‌جز گزینهٔ تکرار شده است.

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

- ۱) به دشمن دوست شو زانسان که هرگز
- ۲) درشتان را ملایم‌طینتی‌هایم خجل دارد
- ۳) تو هم جنگ را باش چون کینه خاست
- ۴) دل به دشمن چون ملایم شد مصفا می‌شود

به تیغ دشمنی نخراشدت پوست
زبان از نرم‌گویی سزنگون افکند دندان را
که با کینه‌ور مهربانی خطاست
سنگ با آتش چو نرمی کرد مینا می‌شود

۲۰۵۱- در همهٔ گزینه‌ها، به‌استثنای گزینهٔ مضمون مشترک وجود دارد.

- ۱) با بدان بد باش و با نیکان نکو
- ۲) کم مباح از درخت سایه‌فکن
- ۳) شادی ز میان غم برانگیز
- ۴) روشندان ز خصم ندارند جان دریغ

جای گل گل باش و جای خار خار
هر که سنگت زند ثمر بخشش
با مردم بی‌وفا وفا کن
آیین، آب سبزه زنگار می‌دهد

(ریاضی ۸۴+)

۲۰۵۲- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) هر که بخراشدت جگر به جفا
- ۲) مکافات بدی کردن حلال است
- ۳) گر کسی با تو بد کند زنه‌ار
- ۴) با تو گویم که چیست غایت حلم

همچو کان کریم زر بخشش
چو بی‌جرم از کسی بد دیده باشی
جز به نیکی جزای آن نکنی
هر که زهرت دهد شکر بخشش

۲۰۵۳- کدام بیت با عبارت «همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت، او را بردباری و تحمل عظیم بخشید.» تناسب بیشتری دارد؟

- ۱) آن روز که شیر خوردم از دایهٔ عشق
- ۲) تو مگو همه به جنگ‌اند و ز صلح من چه آید؟
- ۳) هرگز نگشته جمع به هم عشق و سرکشی
- ۴) تو ز روی مهربانی به میان مگر درآیی

از صبر غنی شدم به سرمایهٔ عشق
تو یکی، نه‌ای هزاری تو چراغ خود برافروز
خواهی که بار عشق کشی بردبار شو
که کنند صلح با هم شب ما و روشنایی

۲۰۵۴- مفهوم بیت «اگر او به وعده گوید که دمی دگر ببایم / همه وعده مکر باشد بفرید او شما را» با مفهوم کدام بیت تناسب بیشتری دارد؟

- ۱) دلم شکستی و رفتی خلاف شرط مودت
- ۲) به صد وعده نباشد عشق خرسند
- ۳) وفا و عهد مودت میان اهل ارادت
- ۴) مگذر ز ما که خاطر ما در قفای توست

به احتیاط رو اکنون که آگینه شکستی
که مکر دلبران بسیار باشد
نه چون بقای شکوفه است و عشق‌بازی بلبل
دل بر امید وعده و جان در وفای توست

(تبریزی ۹۱)

۲۰۵۵- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) گر بیوسم همچو دانه عاقبت نخلی شوم
- ۲) که ای بلندنظر شاهباز سدره‌نشین
- ۳) خود ز فلک برتریم وز ملک افزون‌تریم
- ۴) چرا به عالم اصلی خویش وانروم؟

ز آن که جمله چیزها، چیزی ز بی‌چیزی شده است
نشیمن تو نه این کنج محنت‌آباد است
زین دو چرا نگذریم؟ منزل ما کبریاست
دل از کجا و تماشای خاکدان ز کجا؟

(هنر ۹۸+)

۲۰۵۶- بیت زیر، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) «ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم»
- ۲) او را مقام و منزل و مسکن چه حاجت است
- ۳) منزلگه جان است که جانان من آن جاست
- ۴) خیمه در مصر چو پیراهن یوسف زده‌ایم
- ۵) چیست خاک تیره تا باشد تماشاگاه ما

باز همان‌جا رویم جمله که آن شهر ماست
هر جا که می‌رود همه ملک خدای اوست
یا روضهٔ خلد است که رضوان من آن جاست
جلوه‌ها در نظر مردم کنعان دارم
سیرها در خویشتن چون آسمان داریم ما

۲۰۵۷- مفهوم کدام بیت با مفهوم عبارت «یا عبدالکریم! حکایت نویس مباح، چنان باش که از تو حکایت کنند» تناسب بیشتری دارد؟

- ۱) ثابت است بر جریده عالم دوام ما
- ۲) که نامت به نیکی بماند مخلص (مخلص: جاویدان)
- ۳) بادام همان تلخ برون از شکر آید
- ۴) کار بد و نیک چو کوه و صداست

- ۱) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
- ۲) چنان صرف کن دولت و زندگانی
- ۳) از صحبت نیکان نشود طینت بد نیک
- ۴) هر چه کنی کشت همان بذر وی

۲۰۵۸- مفهوم کدام گزینه با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) که آتش میزند در خشک و تر طرز نشید (= آواز) ما
- ۲) گل را چه غم از نعره مرغان سحرخیز؟
- ۳) که از سوز جگر خنیاگرستم (خنیاگر: آوازخوان)
- ۴) نوحه‌ای کز درد خیزد گریه بسیار آورد

- ۱) بیا گر مرد سوز و ساز عشقی ناله‌ای بشنو
- ۲) «خواجو» چه کنی ناله و فریاد جگرسوز
- ۳) به یک ناله بسوزم هر دو عالم
- ۴) عالمی در گریه است از ناله جانسوز من

۲۰۵۹- عبارت «در این میان با بی‌توجهی به ملامت و هیاهوی مردم خود را با سرودن غزل‌های گرم و پر سوز و گداز عاشقانه سرگرم می‌کرد.» با کدام گزینه تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱) غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را؟
- ۲) من باز نگیرم نظر از تیر و کمانت
- ۳) که عشق تا به چه حد است و حسن تا به چه غایت
- ۴) از طعنه دشمن به خدا گر خبرستم

- ۱) سعدی از سرزنش غیر نترسد هیهات
- ۲) گر خلق کنندم سپر تیر ملامت
- ۳) ملامت من مسکین کسی کند که نداند
- ۴) تا ذوق درونم خبری می‌دهد از دوست

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

- ۱) ز چاه، یوسف جان را چرا فغان باشد
- ۲) لحد چو حبس نماید خلاص جان باشد
- ۳) غروب، شمس و قمر را چرا زبان باشد
- ۴) گمان مبر که مرا درد این جهان باشد

- ۱) کدام دلو فرورفت و پر برون نامد
- ۲) تو را غروب نماید ولی شروق بود
- ۳) فروشدن چو بدیدی برآمدن بنگر
- ۴) به روز مرگ چو تابوت من روان باشد

(کانون فرهنگی آموزش ۹۷)

- ۱) سوی گلزار جمالش پی آن دانه روم
- ۲) عنق‌ای قاف هم‌تم از عرش زد صغیر
- ۳) ملک ناسوت را به ناس بهل
- ۴) آمد به دام زلف خودش موکشان کشید

- ۱) طایر قدسم و خال رخ یارم هوس است
- ۲) چون زادم از نتایج علوی به مهد خاک
- ۳) تو ز لاهوتی ای الهی‌دل
- ۴) دل دوش می‌پرید که من مرغ زیرک

۲۰۶۲- همهٔ گزینه‌ها، به جز بیت به یک مفهوم اشاره دارند.

- ۱) که کس به وعدهٔ خوبان امیدوار مباد
- ۲) که به روز تیرباران سپر بلا نباشد
- ۳) مرا به بند بستی خود از کمند بجستی
- ۴) به چشم خویش بدیدم خلاف هر چه بگفتی

- ۱) چه‌ها کشید دلم از خلاف وعدهٔ او
- ۲) نه حریف مهربان است حریف سست‌پیمان
- ۳) بنای مهر نمودی که پایدار نماند
- ۴) نه دست عهد گرفتی که پای وصل بدارم؟

۲۰۶۳- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) یک لقمه کنیم و غم نداریم
- ۲) دور فلک آن سنگ است، ای خواجه تو آن جامی
- ۳) فراقی نیست عین شادمانی است
- ۴) آینه برگوید خوش‌منظر است مردن

- ۱) این مرگ که خلق لقمهٔ اوست
- ۲) جامی چه بقا دارد، در رهگذر سنگی؟
- ۳) نه مرگ است این‌که عین زندگانی است
- ۴) مرگ آینه‌ست و حسنت در آینه درآمد

۲۰۶۴- مفهوم عبارت «مولانا در زندگانی اهل صلح و سازش و مدارا بود و همین صلح و یگانگی با عشق و حقیقت او را بردباری و تحمل عظیم بخشید به طوری که طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و با نرمی و حسن خلق، آنان را به راه راست می‌آورد.» با کدام ابیات تناسب دارد؟

- الف) میخشای بر هر کجا ظالمی است
- ب) چو کاری برآید به لطف و خوشی
- ج) مه نور از آن گرفت کز شب نرمید
- د) سنگ دل را سرمه کن در آسیای رنج و درد
- ه) ای بدی که تو کنی در خشم و جنگ
- و) به نرمی ز دشمن توان کرد دوست

- ۱) رحمت بر او جور بر عالمی است
- ۲) چه حاجت به تند و گردن‌کشی؟
- ۳) گل بوی از آن یافت که با خار بساخت
- ۴) دیده را زین سرمه بینا کن کمال این است و بس
- ۵) با طرب‌تر از سماع و بانگ چنگ
- ۶) چو با دوست سختی کنی دشمن اوست

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۰۶۵- آرایه نوشته شده در مقابل همه گزینها به جز گزینۀ درست است.

- (۱) ز دین فروشی اهل ریا نفهمیدیم
(۲) از می و مطرب مکن، مدعیای منع من
(۳) گر تو چو شمع گشی، از تو نخواهم نشست
(۴) دید میان دل و دیده که خون است، اشک
- کجا گناه گناه است و کی ثواب ثواب (مجاز)
تا غزلی تر بود، قول تو خواهم شنید (حسن آمیزی)
ور تو به تیغم زنی، از تو نخواهم بُرید (تشبیه)
جست برون زان میان، رفت و کناری گزید (استعاره)

(پهاردهمین المپیاد ادبی +)

۲۰۶۶- کدام آرایه در بیت زیر وجود ندارد؟

- «آشنایان ره عشق در این بحر عمیق
تنافض (۱) تناقض (۲) تناسب (۳) جناس (۴) ایهام تناسب
- غرچه گشتند و نگشتند به آب آلوده»

(دوازدهمین المپیاد ادبی)

۲۰۶۷- در همه بیتها هر دو آرایه «جناس و مجاز» وجود دارد، به جز بیت

- (۱) برآشفست ایران و برخاست گرد
(۲) سپید شد چو درخت شکوفه دار سرم
(۳) گر نبندی زین سخن تو حلق را
(۴) موجها خوابیده اند آرام و رام
- همی هر کسی کرد ساز نبرد
وز این درخت همین میوه غم است برم
آتشی آید بسوزد خلق را
طبل طوفان از نوا افتاده است

۲۰۶۸- کدام گزینه فاقد «ایهام» است؟

- (۱) دیشب به خواب دیدم دوشم به دوش تو
(۲) یک سر موی تو گر زان که به صد جان عزیز
(۳) چون لب لعل تو در چشم من آید چه عجب
(۴) گهی که جان رود از چشم ناتوان بیرون
- امروز جان همی دهم از آرزوی دوش؟
همچو یوسف بفروشد هنوز ارزانی
گرم از چشم بیفتاد عقیق یمنی
گمان مبر که رود مهر او ز جان بیرون

۲۰۶۹- کدام گزینه درباره آرایه های بیت زیر درست نیست؟

- «آب آتش می برد خورشید شب پوش شما
واج آرای - تشخیص (۱) استعاره - ایهام تناسب (۲) تلمیح - تضاد (۳) حسن آمیزی - حسن تعلیل (۴)
- می رود آب حیات از چشمه نوش شما»

۲۰۷۰- آرایه های موجود در بیت زیر، در کدام گزینه آمده است؟

- «عشق زُخت دولتی است باقی و باقی فنا
(۱) تشبیه - تضاد - جناس همسان
(۲) تشبیه - تضاد - جناس همسان
(۳) تضاد - جناس همسان - حسن تعلیل
- خاک درت شربتی است صافی و عالم سراب»
- (۱) جناس ناهمسان - کنایه - تشخیص
(۲) استعاره - تشبیه - تکرار

(کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

۲۰۷۱- آرایه های مقابل همه ابیات به جز گزینۀ تماماً صحیح هستند.

- (۱) سیلاب سرشک از غم هجران توأم دوش
(۲) همی برون جهد از آسمان ستاره به شب
(۳) آن کس که به دست جام دارد
(۴) کم نشد از گریه مستانه، خواب غفلم
- تا دوش بُد، امروز به بالای سر آمد (تشبیه - جناس)
ز بیم تیرت و بر قول من دلیل، شهاب (حسن تعلیل - تشخیص)
سلطانی جیم مدام دارد (کنایه - ایهام تناسب)
سیل نتوانست کند از جای خود این سنگ را (تضاد - استعاره)

۲۰۷۲- در ابیات زیر به ترتیب چند «جناس» و چند «تناقض» وجود دارد؟

- الف) کس در جهان نبود مگر یار من ولیک
ب) منم که در وطن خویشتن غریبم و زین
ج) دل و جان وقف حریم حرم او کردیم
د) تا چند به شادی می غمهای تو نوشم
- بس در جهان بگشتم و او در جهان نبود
غریب تر که هم از من غریب تر وطنم
و اعتماد از دو جهان بر کرم او کردیم
از خلق جهان کسوت سودای تو پوشم
- (۱) هفت - سه
(۲) پنج - دو
(۳) چهار - دو
(۴) شش - سه

۲۰۷۳- کدام گزینه درباره آرایه های بیت زیر تماماً درست است؟

- «مقصد و مقصود دل، جز دهن تنگ او
(۱) جناس - تضاد - مجاز - تشخیص
(۲) جناس - تضاد - مجاز - تشخیص
(۳) تضاد - جناس - استعاره - تضاد
(۴) تضاد - جناس - استعاره - تضاد
- نیست دریغا که هست، مقصد دل ناپدید»
- حسن تعلیل - کنایه - تکرار - واج آرای
تضاد - جناس - واج آرای - اغراق

(هنر ۹۰)

۲۰۷۴- آرایه های بیت زیر کدام است؟

- «کَلک حافظ شکرین میوه نباتی است، بچین
(۱) تشبیه - کنایه - مجاز - استعاره
(۲) تشبیه - کنایه - مجاز - حسن آمیزی - تشبیه - جناس
(۳) کنایه - مراعات نظیر - جناس - تشخیص
(۴) استعاره - مراعات نظیر - حسن آمیزی - تشخیص
- که در این باغ نبینی ثمری بهتر از این»
- مجاز - حسن آمیزی - تشبیه - جناس
استعاره - مراعات نظیر - حسن آمیزی - تشخیص

۲۰۷۵- يکى از آرایه‌های نوشته‌شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) دل داده‌ام بر باد، بر هر چه بادا باد
 (۲) هفتاد پشت ما از نسل غم بودند
 (۳) ای عشق از آتش، اصل و نسب داری
 (۴) هر قصر بی‌شیرین، چون بیستون ویران
- مجنون‌تر از لیلی، شیرین‌تر از فرهاد (جناس همسان - تلمیح)
 ارث پدر ما را، انندوه مادرزاد (ایهام - تشخیص)
 از تیره (= نژاد) دودی، از دودمان باد (استعاره - واج‌آرایی)
 هر کوه بی‌فرهاد، گاهی به دست باد (تضاد - تشبیه)

موزى ۲۰۷۶- آرایه نوشته‌شده در مقابل کدام گزینه درست است؟

- (۱) ای لبت باده‌فروش و دل من باده‌پرست
 (۲) آن‌چنان در دل تنگم زده‌ای خیمه‌انس
 (۳) تو میندار که از خود خیرم هست که نیست
 (۴) کار یاقوت تو تا باده‌فروشی باشد
- جانم از جام می عشق تو دیوانه و مست (ایهام)
 که کسی را نبود جز تو در او جای نشست (تشخیص)
 یا دل‌م بسته بند کمرت نیست که هست (متناقض‌نما)
 نتوان گفت به «خواجو» که مشو باده‌پرست (استعاره)

(شارج از کشور ۸۷)

موزى ۲۰۷۷- در کدام بیت همه آرایه‌های «مراعات نظیر، استعاره، تشخیص و جناس» به کار رفته است؟

- (۱) آن که ندیده حسرتی در همه عمر خویشتن
 (۲) آن که به تیغ امتحان، ریخت به خاک خون من
 (۳) غنچه نوش‌خند او سوخت به یک تبسم
 (۴) خاک رهی گزیده‌ام، تا چه بزاید آسمان
- کی به شمار آورد حسرت بی‌شماره‌ام؟
 کاش برای سوختن، زنده کند دوباره‌ام
 نرگس نیم‌مست او گشت به یک اشاره‌ام
 جیب مهی گرفته‌ام، تا چه کند ستاره‌ام

موزى ۲۰۷۸- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- «ای چو دژه در بر آن روی زیبا، آفتاب
 (۱) جناس - حسن تعلیل - تشبیه - کنایه
 (۲) تشبیه - تضاد - حس آمیزی - جناس
 (۳) اغراق - جناس - تشخیص - تشبیه
 (۴) تضاد - اغراق - تشبیه - جناس»
- از حجاب سایه زلف تو، پیدا آفتاب

موزى ۲۰۷۹- اگر ابیات زیر را به ترتیب «استعاره، تلمیح، ایهام، حسن تعلیل و حس آمیزی» مرتب کنیم، گزینه درست است.

- (الف) ز شور زلف تو دوشم شبی دراز گذشت
 (ب) زیر لب با ما حدیثی گو، که این بیمار را
 (ج) در صفات عارضت، تا نقش می‌بندد خیال
 (د) سرچشمه حیوان به دهان تو تشبیه
 (ه) سرو دید آن قد و رعنائی، از آن بالا گرفت
- اگرچه زلف سیاهت زیادت از دوش است
 مدتی شد کارزوی شربتی زان شکر است
 کس سخن نازک‌تر و رنگین‌تر از «سلمان» نگفت
 کرد از نظر مردم از آن روی نهان شد
 در چمن‌ها لاجرم کارش از آن بالا گرفت
- (۱) ه - د - الف - ج - ب
 (۲) ب - ه - الف - د - ج
 (۳) ب - د - الف - ه - ج
 (۴) ب - د - ج - ه - الف

دو نوزبان فارسی

۲۰۸۰- همه گزینه‌ها به جز گزینه نقش تبعی «معطوف» دارند.

- (۱) مهتران در سخن آمدند و زمانی نومیدی نمودند از امیر و از استیلای این دو سپاه‌سالار.
 (۲) امیر گفت: «بدین مقدار شغل زشت و مُحال باشد تو را رفتن، که به خراسان فتنه است از چند گونه.»
 (۳) خواجه بدو نامه فرموده بود که: «قاضی شیراز چنین و چنین نیست و جواب چنین و چنین رفت.»
 (۴) این بزرگان چون نان بخوردند، برخاستند و به دیوان بازآمدند و بنشستند و دست بکشستند.

(زبان ۱۹)

۲۰۸۱- در کدام عبارت «نقش تبعی» وجود ندارد؟

- (۱) نثر داستانی اکنون مهم‌ترین نوع ادبی اروپا و مهم‌ترین نوع ادبی جهان امروز است و خود اقسامی دارد.
 (۲) در نگاه نخست، طنز، برای شوخی و خنده است، ولی بعد روشن می‌شود که طنزنویس از نارسایی‌ها و ناروایی‌های جامعه رنج می‌برد.
 (۳) شعر انسانی به مسائل وطن‌پرستی، بشردوستی، مخالفت با استعمار و تسلط بیگانگان، محبت به فرزندان و خانواده و آزادی‌خواهی می‌پردازد.
 (۴) نکته مهمی که لزوم اخلاق جدید را مطرح می‌سازد، این است که اخلاق از بنیادهای اجتماعی است و دارای تمام خصوصیات این بنیادهاست.

۲۰۸۲- تعداد «معطوف»‌های کدام عبارت بیشتر است؟

- (۱) آزار و انکار مخالفان سبب شد که او نیز در طلب یار همدل و همدم خود، عازم دمشق شود.
 (۲) کوشش و جست‌وجوی مولانا به جایی نرسید و شمس را نیافت.
 (۳) عزم کرد که دیگر بدان شهر پرغوغا بازنیاید و جایی برود که از او خبری نشنوند و رفت.
 (۴) مریدان از تعطیل‌شدن مجالس درس، به خشم آمدند و مولانا را دیوانه و شمس را جادوگر خواندند.

- ۲۰۸۳- در عبارت «چون شمس را دید، نشان‌هایی از لطف الهی را در او یافت و دانست که او همان پیر و مرشدی است که سال‌ها در جست‌وجویش بود؛ از این رو، به شمس روی آورد و با او به صحبت و خلوت نشست و در خانه بر آشنا و بیگانه بست و تدریس و وعظ را رها

کرد.» کدام واژه‌ها به ترتیب «معطوف به مسند» و «معطوف به مفعول» هستند؟

- (۱) پیر - تدریس
 (۲) خلوت - وعظ
 (۳) مرشد - تدریس
 (۴) مرشد - وعظ

۲۰۸۴- در همه ابیات، واژه‌هایی که به یکدیگر عطف شده‌اند به درستی مشخص شده‌اند؛ به جز

- (۱) یار من باش که زیب فلک و زینت دهر
(۲) دگر ز منزل جانان سفر مکن درویش
(۳) طریق عشق پرآشوب و فتنه است ای دل
(۴) با لبی و صد هزاران خنده آمد گل به باغ

- از مه روی تو و اشک چو پروین من است
که سیر معنوی و کنج خانقاهت بس
بیفتد آن که در این راه با شتاب رود
از کریمی گویا در گوشه‌ای بویی شنید

۲۰۸۵- در کدام بیت‌ها بخش‌های مشخص شده به هم عطف نشده است؟

- (الف) ز آب روان و سبزه و صحرا و لاله‌زار
(ب) از دامن تر تو و هم‌صحبتان توست
(ج) پیر بودم ز جفای فلک و جور زمان
(د) صائب کسی که سر به گریبان خود کشید
(ه) به چشم عقل در این رهگذار پرآشوب

- با من مگو که چشم در احباب خوش‌تر است
آینه‌های چرخ که زنگار بسته‌اند
باز پیرانه‌سرم عشق جوان باز آمد
ناز بهشت و منت رضوان نمی‌کشد
جهان و کار جهان بی‌ثبات و بی‌محل است

(۴) ب - ج - د

(۳) الف - ج - د

(۲) الف - ج - ه

(۱) ب - د - ه

۲۰۸۶- در کدام بیت نقش تبعی «تکرار» دیده نمی‌شود؟

- (۱) دلم گرفته ای دوست! هوای گریه با من
(۲) کجا روم که راهی به گلشنی ندارم
(۳) نه بسته‌ام به کس دل، نه بسته دل به من کس
(۴) ز من هر آن که او دور، چو دل به سینه نزدیک

- گر از قفس گریزم، کجا روم، کجا من؟
که دیده برگشودم به کنج تنگنا من
چو تخته‌پاره بر موج، رها رها رها من
به من هر آن که نزدیک، از او جدا جدا من

۲۰۸۷- در کدام بیت نقش تبعی «تکرار» وجود دارد؟

- (۱) آن روزگار کو که مرا یار یار بود
(۲) پرتو مهرست یا مهر رخ زیبای یار
(۳) می‌رفت و دل شکسته از پی
(۴) مزن چندین جراحت بر دل تنگ

- من برکنار از غم و او در کنار بود
قامت سرو است یا سرو قد رعنا دوست
نالان نالان طپیده می‌رفت
دل است این، دل، نه پولاد است و نه سنگ

۲۰۸۸- در کدام بیت نقش تبعی «تکرار» وجود ندارد؟

- (۱) نرم شد نرم چرخ تیز و درشت
(۲) در صدف جان ذری نیست به جز دوست دوست
(۳) غمخوار توام غمان من من دانم
(۴) نصیحت بین که آن هندو چه فرمود

- رام شد رام دهر تند و حرون (سرکش)
آن که دل از عشق او زنده بود اوست اوست
خونخوار منی زیان من من دانم
که چون مالی بیایی زود خور زود

۲۰۸۹- در گزینه نقش تبعی «بدل» دیده می‌شود.

- (۱) هنگامی که بهاء ولد، مناسک حج را به پایان برد، در بازگشت، به طرف شام روانه گردید.
(۲) پادشاه سلجوقی روم، علاءالدین کیقباد از مقامات او آگاهی یافت، طالب دیدار وی گردید.
(۳) جلال‌الدین، در هجده‌سالگی به فرمان پدر با «گوهرخاتون» سمرقندی ازدواج کرد.
(۴) پس از درگذشت بهاء‌الدین، جلال‌الدین محمد به اصرار مریدان و شاگردان پدر، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت.

۲۰۹۰- در کدام عبارت، نقش تبعی «بدل» به کار نرفته است؟

- (۱) ناگهان آفتاب عشق و شمس حقیقت در برابرش نمایان شد؛ او شمس‌الدین تبریزی بود.
(۲) سلطان ولد، فرزند مولانا، هر دم بی‌تابانه به بالین پدر می‌آمد و باز از اتاق بیرون می‌رفت.
(۳) خواجه عبدالکریم، خادم خاص شیخ ما، ابوسعید بود.
(۴) پدر جلال‌الدین، محمدبن حسین خطیبی، معروف به بهاء‌الدین ولد از دانشمندان روزگار خود بود.

۲۰۹۱- با توجه به بیت زیر، کدام موارد کاملاً درست است؟

- «گیرند مردم دوستان، نامهربان و مهربان»
(الف) در بیت دو «واو» عطف وجود دارد.
(ج) در بیت یک نقش تبعی یافت می‌شود.
(۱) الف - ب
(۲) الف - ج

- هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس»
(ب) یک مسند در بیت وجود دارد.
(د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می‌خورد.
(۳) ب - د
(۴) ج - د

(انسائی ۹۸)

(فارج از کشور ۹۵)

۲۰۹۲- در کدام بیت «نقش تبعی» یافت می‌شود؟

- (۱) حال چوگان، چون نمی‌دانی که چیست
(۲) تو خود وصال دگر بودی ای نسیم وصال
(۳) حریف، عهد مودت شکست و من نشکستم
(۴) با پری‌رویان به خلوت روی در روی آوری

- ای نصیحت‌گو به ترک گوی گوی
خطا نگر که دل امید در وفای تو بست
خلیل بیخ ارادت برید و من نبردم
خویش را دیوانه سازی و پری‌خوانی کنی

۲۱۰۳- چه تعداد از ترکیب‌های زیر «ترکیب اضافی» هستند؟

«ریشهٔ ظلم - اظهار لطف - اتاق جلویی - فهرست اسم‌ها - نگاه گیرا - چهرهٔ سرباز - پیشگاه امپراتور - هنگام استراحت - حرارت بسیار - رمز عبور - تحولات داخلی»

(۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت

۲۱۰۴- در عبارت «تاریخ‌نویس نباید تابع علایق خوانندگانی باشد که برای توضیح وضعیت تاریخی خود، اثر تاریخی می‌خوانند.» چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

(۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

۲۱۰۵- در کدام گزینه «مضاف» نقش «مفعولی» دارد؟

- (۱) در همین آن، صدای تیری شنیده شد و گلوله‌ای به بازوی راست گیلهمرد اصابت کرد.
- (۲) نفیر باد نعره‌های عجیبی را از قعر جنگل به سوی کومه همراه داشت.
- (۳) در همین لحظه کبریت آتش گرفت و نور زردرنگ آن، قیافهٔ گیلهمرد را روشن کرد.
- (۴) باران می‌بارید. افق روشن می‌شد و ابرهای تیره کم‌کم باز می‌شدند.

(انسانی ۹۹)

۲۱۰۶- «ترکیب‌های اضافی» در کدام بیت، بیشتر است؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| (۱) شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خُلد | دستر نسرین و گل را زینت اوراق بود |
| (۲) از دم صبح ازل تا آخر شام ابد | دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود |
| (۳) رشتهٔ تسبیح اگر بگسست معذورم بدار | دستم اندر ساعد ساقی سیمین‌ساق بود |
| (۴) حسن مهرویان مجلس گرچه دل می‌برد و دین | بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود |

۲۱۰۷- کدام عبارت‌ها، از نظر تعداد «ترکیب‌های اضافی»، دویهدو برابر هستند؟

(الف) شمس از مردم تبریز بود و خاندان وی هم اهل تبریز بودند.

(ب) یاران مولانا هم که پژمردگی و دلتنگی او را در غیبت شمس دیده بودند، از کردار خود پشیمان شدند.

(ج) روزها به شغل تدریس می‌گذرانید و شاگردان و پیروان بسیاری از حضورش بهره می‌بردند و مردم روزگار بر تقوا و زهد او متفق بودند.

(د) دیار روم از تاخت‌وتاز سپاه مغول برکنار بود و پادشاهی دانا و صاحب‌بصیرت و عالم‌پرور و محیطی آرام و آزاد داشت.

(ه) او برای کسب علوم و معارف، بسیار مسافرت کرد و از مشایخ فراوانی بهره برد.

(۱) (الف - ه) - (ج - د)

(۲) (الف - ه) - (ب - ج)

(۳) (الف - د) - (ب - ج)

(۴) (ب - د) - (الف - ج)

۲۱۰۸- در عبارت «یکی از علل واپسماندگی صنعتی کشورهای کم‌رشد این واقعیت است که طبقات مالک بومی ترجیح می‌دهند پول‌های خود را در اموال غیرمنقول، بازرگانی یا معاملات سوداگرانه سرمایه‌گذاری کنند تا این‌که به ساختمان صنعت مدرن بپردازند.» به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

(۱) هفت - پنج (۲) هشت - چهار
(۳) شش - هفت (۴) نه - شش

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۱۰۹- در کدام بیت ضمیر پیوسته در نقش مفعولی به کار رفته است؟

- | | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| (۱) مرو از پی هر چه دل خواهدت | که تمکین تن نور جان کاهدت |
| (۲) قبا بست و چابک نوردید دست | قبایش دریدند و دستش شکست |
| (۳) ز مهرش بگردان چو پروانه پشت | که مقراض (= قیچی)، شمع جمالش بکشت |
| (۴) ز لعل این سنگ‌ها بیرون می‌فکن | به خاک افکندی‌ام در خون می‌فکن |

(کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

۲۱۱۰- با توجه به بیت زیر، کدام گزینه درست است؟

- «ساقی بیا که هاتف غیبم به مؤده گفت
(۱) کلمات «ساقی» و «هاتف» به‌ترتیب نهاد و منادا هستند.
(۲) ضمیر «م» نقش متمم دارد.
(۳) در بیت، یک نقش تبعی وجود دارد.
(۴) در بیت، دو مفعول و یک مسند وجود دارد.

(سی و یکمین دورهٔ المپیک ادبی)

۲۱۱۱- مضاف ضمیرهای پیوسته «ت» در مصراع اول، در کدام گزینه درست است؟

- | | | | |
|---------------------------------------|---------------|---|---------------|
| (۱) تن - من | (۲) سودا - ره | (۳) تن - ره | (۴) سودا - من |
| «بختم به سودای تنت، ره می‌زند سوی منت | | تا آورد در گردنت، دستی که بر سر می‌زند» | |

۲۱۱۲- کتاب «زندگانی جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی» اثر کیست؟

- (۱) بدیع‌الزمان فروزانفر (۲) لطفعلی صورتگر (۳) عبدالحسین وجدانی (۴) مجید واعظی

۲۱۱۳- محمدبن منور خالق کدامیک از آثار زیر است؟

- (۱) تاریخ بیهقی (۲) تحفة الاحرار (۳) بهارستان (۴) اسرار التوحید

۲۱۱۴- محمدبن حسین خطیبی نام کدامیک از عرفای زیر است؟

- (۱) بهاء ولد (۲) شمس (۳) سلطان ولد (۴) مولوی

۲۱۱۵- جلال‌الدین محمد مولوی در هنگام خردسالی با کدام عارف دیدار کرد و او کدام کتاب را به جلال‌الدین هدیه داد؟

- (۱) سعدی - گلستان (۲) عراقی - الهی‌نامه (۳) سنایی - الهی‌نامه (۴) عطار - اسرارنامه

۲۱۱۶- جلال‌الدین محمد مولوی در قرن در شهر به دنیا آمد.

- (۱) هشتم - سمرقند (۲) هشتم - بخارا (۳) هفتم - بلخ (۴) هفتم - قونیه

۲۱۱۷- کدام پادشاه از بهاء‌الدین ولد، پدر مولانا خواست تا در قونیه اقامت کند؟

- (۱) سلطان مسعود (۲) محمد خوارزمشاه (۳) علاء‌الدین کیقباد (۴) جلال‌الدین منکبرنی

۲۱۱۸- «پرنده» لقب کدام عارف ایرانی بوده است؟

- (۱) مولانا جلال‌الدین (۲) شمس‌الدین تبریزی (۳) بهاء‌الدین ولد (۴) سلطان ولد

۲۱۱۹- با توجه به زندگی‌نامه مولانا، کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) از شاعران و عارفان هم‌روزگار مولانا می‌توان به سعدی و فخرالدین عراقی اشاره کرد.
(۲) پدر جلال‌الدین، محمدبن حسین خطیبی معروف به بهاء‌الدین ولد از دانشمندان روزگار خود بود.
(۳) دیدار شمس و مولانا در سال ۶۴۲ هجری قمری اتفاق افتاد، یعنی در ۳۸ سالگی مولانا.
(۴) صلاح‌الدین زرکوب از مولانا درخواست کرد کتابی [برای هدایت مریدان] به طرز بوستان سعدی به نظم درآورد.

۲۱۲۰- نام آثار «سنایی، عطار» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) لیلی و مجنون - الهی‌نامه
(۲) اسرارنامه - الهی‌نامه
(۳) تذکرة الاولیا - منطق‌الطیر
(۴) الهی‌نامه - منطق‌الطیر

موی ۲۱۲۱- اگر دو بیت زیر، ابیات آغازین یک قطعه شعر باشد، با توجه به درون‌مایه، قالب و وزن آن، این دو بیت از کتاب سروده برگرفته شده است.

- «بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست
ای آفتاب حسن، برون آدمی ز ابر
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
کان چهرهٔ مُشعشع تابانم آرزوست»
(۱) لیلی و مجنون - نظامی
(۲) مثنوی معنوی - مولوی
(۳) غزلیات شمس - مولوی
(۴) فرهاد و شیرین - وحشی بافقی

موی ۲۱۲۲- پدیدآورندگان آثار «تذکرة الاولیا - مرصادالعباد - تحفة الاحرار» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) جامی - سنایی - وحشی بافقی
(۲) خواجه عبدالله انصاری - نجم رازی - جامی
(۳) عطار - نجم رازی - جامی
(۴) سنایی - عطار - محمدبن منور

موی ۲۱۲۳- نویسنده یا سرایندهٔ چند مورد از آثار زیر درست نیست؟

- (بوستان: سعدی) - (فرهاد و شیرین: نظامی) - (تحفة الاحرار: اوحدی) - (اسرارنامه: عطار) - (الهی‌نامه: سنایی) - (منطق‌الطیر: جامی)
(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

درس ششم: دکوی عاشقان

۲۰۱۶- گزینۀ «۲» مرید یعنی «پیرو، دنباله‌رو، شاگرد» (= سالک).

مرشد (= پیر، مُراد) مقابل مُرید (= سالک) است.

۲۰۱۷- گزینۀ «۲» رُهد: پارسایی، پرهیزگاری («پنددادن» در گزینۀ (۱))

و «اندرز» در گزینۀ (۳) معنای واژهٔ وعظاند) - عازم: رهسپار، راهی، روانه - شبگرد: شب‌رو، داروغه و نگهبان، دزد و عتیار («گدا» در گزینۀ (۴) از معانی شبگرد نیست!) - مَلک: فرشته (این واژه را با مَلِک «شاه و سلطان»، مُلک «عظمت و پادشاهی» اشتباه نگیریم).

۲۰۱۸- گزینۀ «۱» در «ب» شریعت به معنی «شرع، آیین، راه دین»

و مقابل طریقت است. در «د» نیز، نیکوسیرت (خوش‌باطن، خوش‌خُلق‌و‌خو)

معنی خوش‌لقا نیست. (خوش‌لقا یعنی زیبارو، خوش‌سیما، خوش‌چهره)

۲۰۱۹- گزینۀ «۴» واژه‌هایی که نادرست معنا شده‌اند به همراه معنی

صحیح آن‌ها:

محضر: محلّ حضور، در متن درس، مجازاً به معنی مجلس درس یا مجلسی که در آن، سخنان قابل استفاده گفته می‌شود. (کبریا به معنی «بارگاه خداوندی» است). - کبریا: بارگاه خداوندی (افلاک جمع فلک و به معنی «آسمان‌ها» است). - قَدَسُ اللّٰهُ رُوْحَهُ العزیز: خداوند، روح عزیز او را پاک گرداند. («پاک و منزّه است خدا» معنای اصطلاح سبحان‌الله است).

۲۰۲۰- گزینۀ «۳» غلط‌های املائی و شکل صحیح آن‌ها:

گزینۀ (۱): نواهی ← نواهی؛ نواهی، جمع نهی و ناهیه و به معنی «نهی شده‌ها و امور ممنوعه» است و نواحی، جمع ناحیه. با توجه به معنای عبارت و همراهی کلمات طرف شام، روانه‌گردیدن، متوجه می‌شویم که نواحی صحیح است.

گزینۀ (۲): ذهد ← رُهد: پارسایی، پرهیزگاری

گزینۀ (۴): پژمرده‌گی ← پژمردگی

کلمات هم‌ریشه: مناسک: جمع منسک، اعمال عبادی، آیین‌های مذهبی - متفق: همسو و هم‌عقیده، موافق - افغان: ناله و زاری

۲۰۲۱- گزینۀ «۲» غلط‌های املائی موجود در متن و شکل صحیح آن‌ها:

غوقا ← غوغا: هیاهو، فریاد و آشوب، بانگ و خروش

خواست ← خواست: تقاضا، طلب کرد، درخواست نمود (خواست یعنی برپا شد، بلند شد، پدید آمد)

خورد ← خُرد: کوچک، اندک، ناچیز و حقیر (خورد: خوردن، طعام و خوراک)

کلمات هم‌ریشه: بهاء: رونق، درخشش، پرتو و جلوه - اصرار: پافشاری، ایستادگی و دوام در امری، سماجت (آسرار: جمع سَر، رازها، رموز) - وعظ: اندرز، پنددادن - محضر: محلّ حضور، درگاه - حُسام: شمشیر تیز، شمشیر بزان - طرز: طریق، نمط، روش، شیوه - منطق‌الطیر: زبان مرغان - خصمان: دشمنان و بدخواهان

۲۰۲۲- گزینۀ «۲» سلاح به معنی «ابزار جنگ» است و صلاح به معنی

«پارسایی، پرهیزگاری، نیکی و رُهد»؛ گوشه‌نشینان صلاح یعنی کسانی که به قصد رُهد و پارسایی و برای دورماندن از گناه، گوشه‌نشینی اختیار کرده‌اند. برخواست هم تناسب معنایی صحیحی با بیت ندارد و برخاست به معنی «از میان رفتن، زایل و نابود شدن» جایگزین صحیح و مناسبی است: عشق و شیدایی غلبه یافت و آوازه و شهرت پاکدامنی و پرهیزگاری گوشه‌نشینان عابدان پارسا بر باد رفت.

کلمات هم‌ریشه: غالب: چیره، مسلط - مستوری: پوشیدگی، مجازاً عفاف و پاکدامنی و پرهیزگاری - ناموس: آبرو، اعتبار، آوازه، شهرت

۲۰۲۳- گزینۀ «۳» الهان در این بیت، املائی نادرستی دارد و صورت

صحیح این کلمه الحان است، به معنی «آوازه، صوت‌ها».

معنی مصراع دوم بیت (۳): که از زبان پرندگانش اصوات و آوازه‌های خوش و دلکش بیرون می‌آید.

کلمات هم‌ریشه:

گزینۀ (۱): الست: مأخوذ از آیهٔ «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟ قَالُوا بَلَىٰ...» که اشاره دارد به عهد الست یا پیمانی که خدا در روز الست از ارواح بنی‌آدم گرفت - قالب: شکل، پیکر، جسم (غالب: چیره، مسلط) - لقا: دیدار، روی، چهره

گزینۀ (۲): حور: مرد و زن سیاه‌چشم؛ حور در عربی جمع «أحور و حوراء» است، ولی در فارسی به معنای مفرد به کار می‌رود. (هور: خورشید) - قصور: جمع قصر (در مصراع دوم به معنای «کوتاهی کردن و تقصیر» به کار رفته است) - محض: صرف، خالص، پاک - صنم: بُت، دلبر، معشوق زیبارو

گزینۀ (۳): صدر: صدر و بالای مجلس، پیشگاه - رضوان: بهشت، نگهبان بهشت، صُقه: ایوان، شاه‌نشین

گزینۀ (۴): متبوع: پیروی‌شده (مطبوع: مطلوب، پسندیده) - تابع: پیرو، فرمان‌بردار، مطیع

معنی بیت: «ای صائب! برگ حُسن و جمال آدمی همواره سبز و خرم باقی نمی‌ماند و بالاخره روزی نیز زایل و پژمرده می‌شود؛ همان‌طوری که هر اطاعت‌شده و حاکمی، روزی فرمانبر و مطیع خواهد شد.»

۲۰۲۴- گزینۀ «۴» عزم به معنای «اراده استوار، نیت» صحیح است: برای «عبور از» چنین دریای هولناک بی کران، کشتی‌ای از دانش و اراده والا بایسته و نیاز است.

گزینۀ «۱» عقوبت: مجازات، کیفر دادن - صنم: بت - طزار: دزد و راهزن (زلف طزار: گیسوی دلربا) - جیل: جمع حیل - سهل: آسان - ممتنع: دشوار، محال و غیرممکن

۲۰۲۵- گزینۀ «۴» طعن و ملامت صحیح است. (طعن: طعنه زدن، ملامت کردن، سرزنش و عتاب)

۲۰۲۶- گزینۀ «۱» در بیت «ب» اصرار (پافشاری کردن در امری) تناسب معنایی صحیحی برقرار نمی‌کند و با توجه به معنای بیت، به‌ویژه مصراع دوم، اصرار جمع سبز و به معنی «رازها، رموز» صحیح است. در بیت «د»، معنای مصراع دوم و غریب بودن در بحر، آشکارا نشان می‌دهد که بحر (دریا) مناسب و صحیح است نه بهر! (بهر: برای، به‌خاطر). در بیت «ه» دقت بیشتری نیاز داریم تا با توجه به معنای کلی بیت دریابیم که شاعر، طبع (ذوق و قریحه) خود را به عروسی مانند کرده است و می‌گوید: با اندیشه‌های پکر و بدیع خود، طبع و ذوق شعری خود را که همچون عروسی است، آرایش می‌کنم و زینت می‌دهم تا شاید به واسطه چرخش و بازی‌های روزگار، معشوق زیبارویی به جنگ افتد. (تبع به معنی «تبعیت و پیروی» است).

۲۰۲۷- گزینۀ «۳» در این گزینۀ، املائی همه کلمات صحیح است. غلط‌های املائی موجود در گزینۀها و شکل درست آن‌ها:

گزینۀ (۱): عبدالملک ← عبدالملک (دقت کنیم که نگارش کلماتی از قبیل: منطق‌الطیر، بهاء‌الدین، اولوالامر، لباب‌الالباب (مغز مغزا؛ نام کتابی است)، اولی‌الابصار «صاحبان بینش و معرفت»، اولی‌الالباب و ... صرفاً به همین صورت صحیح است و نوشتن آن‌ها با اشکال منطق‌الطیر، لباب‌الالباب، اولی‌الابصار و ... غلط املائی محسوب می‌شود)

گزینۀ (۲): غربت ← قربت: نزدیکی، نزدیکی در مکان و منزلت (غربت: یعنی دوری، غریب‌گشتن). «هر دو به مزید قربت از دیگر خواص خدم مرتبه تقدّم یافته؛ یعنی هر دو [شغال] از جهت تقرب و نزدیکی به شیر از دیگر خادمان خاص پیشی گرفته بودند و مقامشان از همه آن‌ها بالاتر رفته بود.

گزینۀ (۴): طریقت ← طریقت: روش اهل صفا و سلوک، مذهب و سیرت

گزینۀ (۱): مناسک: جمع منسک، اعمال عبادی، آیین‌های دینی - فارغ: آسوده (فارغ: جداکننده)

گزینۀ (۲): طبع: سرشت، ذات و نهاد، طبیعت، خو (تبع: پیروی) - انیس: همدم، همنشین، خو گرفته و مألوف - آسرار: جمع سر، رازها

گزینۀ (۳): روضه: باغ، گلزار و واعظ: اندرزگو، پنددهنده - بسط: گشایش حال، انبساط خاطر عارف، مقابل قبض - قبض: گرفتگی خاطر، ناخوشی - غالب: چیره، مسلط (قالب: شکل، هیئت)

گزینۀ (۴): سیرت: باطن، طریقه، روش، خو - مرضی: مورد رضایت، پسندیده (مرزی: منسوب به مرز) - صواب: درست، صحیح (ثواب: اجر، پاداش)

۲۰۲۸- گزینۀ «۴»
۲۰۲۹- گزینۀ «۱»
واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند به همراه معنای صحیح آن‌ها:

گزینۀ (۲): درنگ: توقف و آهستگی، سکون، ضد شتاب (بی‌درنگ: یعنی فوراً، درحال)

گزینۀ (۳): ملامت: سرزنش، نکوهش، طعن و عتاب (ملایمت به معنی «نرمی و مهربانی» است).

گزینۀ (۴): دوش: دیشب، شانه و کتف (دی معادل «دبروز» است).

۲۰۳۰- گزینۀ «۳»
حریف در این گزینۀ به معنای «هم‌نبرد، رقیب و هم‌اورد» است، در حالی که در سایر گزینۀها در معنای «یار و همدم» به کار رفته است.

۲۰۳۱- گزینۀ «۴»
معنای درست واژه‌هایی که نادرست معنا شده‌اند:
گزینۀ (۱): مناسک: جمع منسک؛ جاهای عبادت حاجیان، اعمال عبادی، آداب و آیین‌های دینی

گزینۀ (۲): نماز پیشین: نماز ظهر

گزینۀ (۳): عقد: گردن‌بند (عقد: پیمان، پیمان‌بستن)

۲۰۳۲- گزینۀ «۲»
بخاستم یعنی «برپا شدم، بلند شدم»، پس تناسب و ارتباطی با عبارت ندارد و بخواستم به معنای «درخواست کردم، طلبیدم» باید جایگزین آن شود.

گزینۀ (۱): متفق: همسو، موافق، هم‌عقیده - سیاحت: سیر و گردش - موافقت: همراهی، همسفر بودن - مصاحبت: هم‌صحبتی، همدمی

گزینۀ (۲): قاعده: روش، قانون، اصل - بگزاردم: به جای آوردم، ادا کردم - جسارت: دلیری، بی‌باکی و گستاخی

معنای رایج مصدر گزاردن: به جای آوردن و ادا کردن، رساندن و بیان کردن، پرداختن، تفسیر و تعبیر کردن

معنای رایج مصدر گزاردن، گذاشتن: نهادن و قراردادن، اجازه‌دادن و رها کردن، سپری کردن

گزینۀ (۳): ثنا: تحسین و ستایش و تمجید (سنا: نور، روشنایی) - اصوات: جمع صوت - الحان: جمع لحن، آوازها - مسامع: جمع مسموع و مسمعه؛ گوش‌ها - قدس: پاکی - انس، خو گرفتن

گزینۀ (۴): موضع: جا، مکان - رُهاد: جمع زاهد، پارسایان، پرهیزگاران - صلاح: خیر، نیکی (سلاح: ابزار جنگ و نزاع) - عزیمت: آهنگ، قصد و اراده، عزم - مقرون: پیوسته، همراه

۲۰۳۳- گزینۀ «۳»
مزلت به معنی «لغزش، لغزشگاه» است و مذلت به معنی «خواری، پستی، زبونی و فرومایگی»؛ با توجه به معنای بیت و همراهی کلمه خواری، مذلت صحیح و مناسب است: اگر در نزد و نظر یار، چنین خواری و حقیر نبودم، در هجر و فراق او این قدر زبونی و عذاب و خواری نمی‌کشیدم (این قدر خواری نصیب نمی‌شد).

۲۰۳۴- گزینۀ «۳»
نگزارد به معنی «به جای نیارد، ادا نکند، نپزدازد»

از مصدر گزاردن، تناسبی با عبارت ندارد و نگذارد، از مصدر گذاشتن باید جایگزین آن شود: «جانب خرم مَهْمَل نگذارد» یعنی جانب احتیاط و دوراندیشی را ترک و رها نکند (جانب احتیاط را در نظر بگیرد). با در نظر گرفتن معنای جملات آخر و حضور واژه‌های نوا، نواخته، الحان و ...، درمی‌یابیم که سفیر (بانگ و صدای بلند) صحیح است نه سفیر (فرستاده). و ذر هم با املائی نادرستی آمده که شکل صحیح آن، وزر به معنی «گناه» است.

مذلت: خواری، بدبختی، زبونی، فرومایگی - طعن: ملامت، سرزنش کردن، عتاب - قضا: سرنوشت و تقدیر - خرم: احتیاط، هوشیاری، دوراندیشی - مَهْمَل: معطل، ضایع، بی‌هوده، تباه - زایل‌کننده: نابودکننده - حمیت: غیرت، مردانگی، دلآوری، تعصب - نقض عهد: پیمان‌شکنی - غریب: بدیع، شگفت، نو و تازه - الحان: جمع لحن، نغمه‌ها - هزارستان: بلبل - لهو: خوشی و نشاط، سرگرمی

۲۰۳۵- گزینۀ «۱»
نواهی به معنای «نهی‌کننده، آنچه که در شرع ممنوع باشد» در عبارت «و این موضع محلّی بود از نواهی شرق ...» کاربرد صحیح و مناسبی ندارد و نواهی به معنای «اطراف و اکناف» باید جایگزین آن شود.

نقض به معنی «شکستن، شکستن عهد و پیمان» است و نغز به معنای «نیکو، خوش، دلکش و جذاب»، ملاحظه می‌کنید که نغز مناسب عبارت «مقامی دلکش و نغز دید و فضایی خرم و سبز» است نه نقض! عظمت نیز در این متن املائی نادرستی دارد و صورت صحیح آن عزیمت است به معنای «اراده، قصد».

قرین: همراه، پیوسته - خرد: کوچک، حقیر، اندک - رأفت: مهربانی، شفقت - تفرّج: سیر و تفریح، گردش - نُزْهت: خوشی، خرمی، پاکی و پاکیزگی - نهر: جوی، رود - مرغزار: سبزه‌زار، علفزار - روضه رضوان: باغ بهشت - معظّم: بزرگ و عظیم، که غالباً در مورد اشیا و شهرها و کشورها به کار می‌رود (معظّم: بزرگ داشته‌شده که در باب اشخاص و افراد به کار می‌رود) - خاست: پدید آمد، به وجود آمد، ظاهر گشت، برپا شد (خواست یعنی طلبید، تقاضا کرد، اراده) عمارت: بنا، ساختمان (امارت به معنای «فرمانروایی و حکمرانی» است).

۲۰۳۶- گزینۀ «۱»
معنای صحیح واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند به همراه معنای صحیح آن‌ها:

گزینۀ (۲): مزلت: خواری، بدبختی، زبونی، فرومایگی - طعن: ملامت، سرزنش کردن، عتاب - قضا: سرنوشت و تقدیر - خرم: احتیاط، هوشیاری، دوراندیشی - مَهْمَل: معطل، ضایع، بی‌هوده، تباه - زایل‌کننده: نابودکننده - حمیت: غیرت، مردانگی، دلآوری، تعصب - نقض عهد: پیمان‌شکنی - غریب: بدیع، شگفت، نو و تازه - الحان: جمع لحن، نغمه‌ها - هزارستان: بلبل - لهو: خوشی و نشاط، سرگرمی

۲۰۳۵- گزینۀ «۱»
نواهی به معنای «نهی‌کننده، آنچه که در شرع ممنوع باشد» در عبارت «و این موضع محلّی بود از نواهی شرق ...» کاربرد صحیح و مناسبی ندارد و نواهی به معنای «اطراف و اکناف» باید جایگزین آن شود.

نقض به معنی «شکستن، شکستن عهد و پیمان» است و نغز به معنای «نیکو، خوش، دلکش و جذاب»، ملاحظه می‌کنید که نغز مناسب عبارت «مقامی دلکش و نغز دید و فضایی خرم و سبز» است نه نقض! عظمت نیز در این متن املائی نادرستی دارد و صورت صحیح آن عزیمت است به معنای «اراده، قصد».

قرین: همراه، پیوسته - خرد: کوچک، حقیر، اندک - رأفت: مهربانی، شفقت - تفرّج: سیر و تفریح، گردش - نُزْهت: خوشی، خرمی، پاکی و پاکیزگی - نهر: جوی، رود - مرغزار: سبزه‌زار، علفزار - روضه رضوان: باغ بهشت - معظّم: بزرگ و عظیم، که غالباً در مورد اشیا و شهرها و کشورها به کار می‌رود (معظّم: بزرگ داشته‌شده که در باب اشخاص و افراد به کار می‌رود) - خاست: پدید آمد، به وجود آمد، ظاهر گشت، برپا شد (خواست یعنی طلبید، تقاضا کرد، اراده) عمارت: بنا، ساختمان (امارت به معنای «فرمانروایی و حکمرانی» است).

۲۰۳۶- گزینۀ «۱»
معنای صحیح واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند به همراه معنای صحیح آن‌ها:

گزینۀ (۲): مزلت: خواری، بدبختی، زبونی، فرومایگی - طعن: ملامت، سرزنش کردن، عتاب - قضا: سرنوشت و تقدیر - خرم: احتیاط، هوشیاری، دوراندیشی - مَهْمَل: معطل، ضایع، بی‌هوده، تباه - زایل‌کننده: نابودکننده - حمیت: غیرت، مردانگی، دلآوری، تعصب - نقض عهد: پیمان‌شکنی - غریب: بدیع، شگفت، نو و تازه - الحان: جمع لحن، نغمه‌ها - هزارستان: بلبل - لهو: خوشی و نشاط، سرگرمی

۲۰۳۵- گزینۀ «۱»
نواهی به معنای «نهی‌کننده، آنچه که در شرع ممنوع باشد» در عبارت «و این موضع محلّی بود از نواهی شرق ...» کاربرد صحیح و مناسبی ندارد و نواهی به معنای «اطراف و اکناف» باید جایگزین آن شود.

نقض به معنی «شکستن، شکستن عهد و پیمان» است و نغز به معنای «نیکو، خوش، دلکش و جذاب»، ملاحظه می‌کنید که نغز مناسب عبارت «مقامی دلکش و نغز دید و فضایی خرم و سبز» است نه نقض! عظمت نیز در این متن املائی نادرستی دارد و صورت صحیح آن عزیمت است به معنای «اراده، قصد».

قرین: همراه، پیوسته - خرد: کوچک، حقیر، اندک - رأفت: مهربانی، شفقت - تفرّج: سیر و تفریح، گردش - نُزْهت: خوشی، خرمی، پاکی و پاکیزگی - نهر: جوی، رود - مرغزار: سبزه‌زار، علفزار - روضه رضوان: باغ بهشت - معظّم: بزرگ و عظیم، که غالباً در مورد اشیا و شهرها و کشورها به کار می‌رود (معظّم: بزرگ داشته‌شده که در باب اشخاص و افراد به کار می‌رود) - خاست: پدید آمد، به وجود آمد، ظاهر گشت، برپا شد (خواست یعنی طلبید، تقاضا کرد، اراده) عمارت: بنا، ساختمان (امارت به معنای «فرمانروایی و حکمرانی» است).

۲۰۳۶- گزینۀ «۱» در گزینۀ (۱) سخن از شق القمر کردن پیامبر اکرم (ص) است، ولی سایر گزینه‌ها انسان را به عروج و تعالی فرامی‌خواند.

۲۰۳۷- گزینۀ «۳» مفهوم عبارت سؤال این است که ناله عاشق دل‌های عاشقان را به آتش می‌کشد و همگان را به ناله می‌آورد. در گزینۀ (۳) نیز سخن از این است که ناله جان‌سوز عاشق که از آتش عشق او زبانه کشیده، همه‌جا را فرا گرفته است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): کسی که عاشق نیست درد عاشق را نمی‌فهمد.

گزینۀ‌های (۲) و (۴): سوختن عاشق در آتش عشق و فراق

۲۰۳۸- گزینۀ «۲» در عبارت سؤال سخن از این است که مولانا به سرزنش و ملامت دیگران توجهی نمی‌کرد و بدون اعتنا به آن‌ها غزل شورانگیز خود را می‌سرود. در گزینۀ (۲) نیز صحبت از عشق‌ورزیدن و پاک‌نداشتن از طعنه دیگران است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): از تقدیر و سرنوشت نمی‌توان رهایی یافت (تقدیر گرایی): من مست را به‌خاطر نامه سیاه اعمالم ملامت نکن، معلوم نیست که تقدیر هر کس چگونه رقم خورده است.

گزینۀ (۳): در عین گوشه‌نشینی شور و غوغای من همه‌جا را گرفته است.

گزینۀ (۴): دشمن و ملامتگر خود را ستایش کردن

۲۰۳۹- گزینۀ «۲» مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ (۲) بازگشت به اصل است و این که منزلگاه انسان عالم قدس است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): بلندمرتبه‌گی مقام ممدوح: اگر پاسبان از پشت‌بام خانه تو سنگی را پایین بیندازد، آن سنگ بعد از هزار سال تازه به زحل - که مظهر ارتفاع و بلندی است - می‌رسد. (مرتبه تو بالاتر از زحل است.)

گزینۀ (۳): ناتوانی عقل در برابر عشق (تقابل عقل و عشق)

گزینۀ (۴): اثر گرفتن از محیط

۲۰۴۰- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۳) همانند بیت سؤال عاشق از دیگران یاری می‌خواهد تا معشوق گریزان را به او بازآورند.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): درخواست عنایت و توجه از معشوق

گزینۀ (۲): جانپزایی عاشق

گزینۀ (۴): عاشق واقعی آن است که در فراق یار، عاشق بماند.

۲۰۴۱- گزینۀ «۳» مفهوم مشترک گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) دعا کردن و استمداد برای بازگشت معشوق است؛ اما در گزینۀ (۳) مفهوم اصلی سیر بودن از زندگی بدون معشوق است.

۲۰۴۲- گزینۀ «۱» مفهوم اصلی بیت سؤال درخواست تنها گذاشتن و رها کردن عاشق است. پس مفهوم مقابل آن می‌شود: رها نکردن و تنها نگذاشتن عاشق که در گزینۀ (۱) این مفهوم وجود دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۲): طلب کردن می برای رهایی یافتن از قید و بند خود

گزینۀ (۳): تنهایی و غمخوار نداشتن

گزینۀ (۴): آسایش نداشتن عاشق (عشق و آسایش طلبی جمع نمی‌شوند).

۲۰۴۳- گزینۀ «۳» در گزینۀ (۳) شاعر می‌گوید: عمر ما در جهان همانند بازی است، برای مرگ من از غم و درد بازوان خودت را مکن و گریه و زاری نکن، بنابراین در این بیت هم مانند بیت سؤال به گریه نکردن برای مرگ توصیه شده است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): روز شادمانی باید به یاد روز غم خود باشیم، زیرا که بعد از زندگانی، مرگ در پی خواهد آمد.

گزینۀ (۲): جانپزایی عاشقانه: همگان با حسرت از این جهان می‌روند، غیر از کسی که در راه عشق جان خود را فدا کند.

گزینۀ (۴): مرگ عاشق حتی سنگ را هم به گریه درمی‌آورد: اگر در مرگ عاشق،

سنگ خون نمی‌گرید، پس چرا در بیستون لاله‌های سرخ‌رنگ به نشانه ماتم فرهاد درآمده است؟ در این بیت حسن تعلیل زیبایی وجود دارد.

۲۰۴۴- گزینۀ «۳» مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) شاگردی کردن در مکتب عشق در عین دانشمندی است و این که کسی که به عالم عشق رو می‌آورد علم و دانشش را فراموش می‌کند، حتی اگر علامه روزگار است. اما در گزینۀ (۳) سخن از این است که هر کس در مکتب عشق شاگردی کند استاد خواهد شد. در بیت دوم، منظور از «تخته»، لوحی است که کودکان بر آن الفبا را می‌نوشته‌اند و برای پاک کردن، تخته را می‌شستند.

۲۰۴۵- گزینۀ «۳» مفهوم گزینۀ (۳) همانند عبارت صورت سؤال رفتار نادرست دیگران را با نرمی و مهربانی پاسخ‌دادن است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): فارغ از مهر و کین بودن (دل‌داشتن از دوستی‌ها و دشمنی‌ها): همان‌طور که آب، چه تیره باشد و چه روشن، سبب کدر شدن تصویر آینه می‌شود، بهتر است که انسان از مهر و کین فارغ باشد تا آینه دل او تیره نشود.

گزینۀ (۲): توصیه به تندی کردن با تندخویان

گزینۀ (۴): دلنشین بودن تندی‌ها و درشتی‌های زیبارویان

۲۰۴۶- گزینۀ «۴» مفهوم اصلی بیت سؤال بازگشت به اصل است؛ یعنی اصل انسان از عالم بالا است و به آن باز خواهد گشت که این مفهوم را در همه ابیات می‌توان دید به‌جز بیت گزینۀ (۴) که در آن شاعر به توصیف محل برگزاری جشن و بزم پرداخته است.

۲۰۴۷- گزینۀ «۴» مفهوم بیت سؤال بازگشت به اصل (تعلق روح انسان به عالم قدس) است، در گزینۀ (۴) هم «مرغ قدسی آشیان» به این مفهوم اشاره دارد که روح انسان متعلق به عالم قدس است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): ستایش مقام والای ممدوح: خورشید در مقابل شکوه طلعت نورانی تو، به سجده می‌افتد.

گزینۀ (۲): تحسین قامت یار و جلوه او

گزینۀ (۳): ناتوانی اندیشه عاشق از شناخت معشوق

۲۰۴۸- گزینۀ «۳» مفهوم اصلی بیت سؤال این است که انسان عارف از مرگ و جدانشدن از جهان مادی غمی ندارد. در گزینۀ (۳) نیز سخن از این است که دل عاشق چنان از عشق یار پر شده است که دیگر از مردن و ترک جهان هراسی ندارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): مرگ و زندگی هر دو تلخ و پر از درد هستند.

گزینۀ (۲): زندگی بعد از مرگ دشمن، دلنشین و مطلوب است.

گزینۀ (۴): در داغ عشق یار بلندبالا مردن

۲۰۴۹- گزینۀ «۲» در همه گزینه‌ها همانند بیت سؤال مفهوم اصلی این است که مرگ پایان زندگی نیست و انسان با مرگ به حیات جاودان می‌رسد. اما در گزینۀ (۲) سخن از این است که در این عالم جز دام و گرفتاری وجود ندارد.

۲۰۵۰- گزینۀ «۳» در آیه صورت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) سخن از نرمی کردن و مدارا با دشمن است. اما در گزینۀ (۳) برخلاف سایر گزینه‌ها مهربانی با دشمن کینه‌ور خطا دانسته شده است.

۲۰۵۱- گزینۀ «۱» مضمون مشترک ابیات این سؤال بدی را با نیکی پاسخ‌دادن است که در همه گزینه‌ها به‌جز گزینۀ (۱) وجود دارد. در گزینۀ (۱) صحبت از این است که با هر کس مطابق رفتار او رفتار کن است.

۲۰۵۲- گزینۀ «۲» مفهوم گزینۀ (۲) بدی را با بدی پاسخ‌دادن (مکافات کردن بدکرداران) است، در حالی که در سایر گزینه‌ها مفهوم جواب بدی را با نیکی دادن مشترک است.

۲۰۵۳- گزینۀ «۱» مفهوم عبارت سؤال این است که عشق و حقیقت صبر و تحمل به آدمی می‌بخشد. در گزینۀ (۱) نیز مفهومی متناسب با آن دیده می‌شود.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۲): توصیه به صلح‌طلبی / با یک گل هم بهار می‌شود.

گزینۀ (۳): عاشق باید صبور و گوش به فرمان باشد (در این بیت برخلاف بیت سؤال شاعر می‌گوید: صبور باش تا بتوانی بار عشق را برداری.

اما در بیت سؤال سخن از این بود که عشق، صبر و شکیبایی می‌بخشد).

گزینه (۴): **وصال معشوق، شب عاشق را روشن می‌کند.**

۲۰۵۴- گزینه (۲) مفهوم بیت سؤال دروغین بودن وعده یار است. در

گزینه (۲) نیز همین مفهوم وجود دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): **جفای معشوق و آزرده شدن دل عاشق**

گزینه (۳): **وفای عاشقان گذرا و ناپایدار نیست: وفا و پایبندی به عشق در میان**

عاشقان مانند عمر گل و عشق بلبل ناپایدار و زودگذر نیست.

گزینه (۴): **درخواست وفاداری و توجه از معشوق / عاشق وفادار و امیدوار است.**

۲۰۵۵- گزینه (۱) در همه گزینه‌ها مفهوم بازگشت به اصل (اصل انسان

از عالم بالا است و به آن باز خواهد گشت) دیده می‌شود به جز گزینه (۱) که در

آن شرط بلندمرتگی انسان ترک خود و افتادگی دانسته شده است.

۲۰۵۶- گزینه (۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴) بازگشت به

اصل است و بر این نکته تأکید شده است که جایگاه انسان عالم خاک نیست.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): **همه عالم ملک خداست و انسان عارف نیازی به منزل و مسکنی**

غیر از آن ندارد.

گزینه (۲): **کوی دوست منزلگه جان عاشق و بهشت اوست.**

گزینه (۳): **در عین دوری در نظر یاران همدل جلوه‌داشتن: با آن که مانند**

پیراهن یوسف در سرزمین مصر هستم و از وطن خود دورم، در نظر یاران

آشنای خود که مانند اهل کنعان هستند جلوه‌ها دارم.

۲۰۵۷- گزینه (۲) در عبارت سؤال تأکید بر این است که کاری کن تا از

تو به نیکی یاد کنند و از تو حکایت کنند نه این که فقط به جمع‌آوری حکایت

دیگران بپردازی. در گزینه (۲) نیز سخن از به جا گذاشتن نام نیک است و با

عبارت سؤال تناسب دارد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): **جاودانگی عاشق (عاشق زنده ابد است).**

گزینه (۳): **اندرداشتن همنشینی نیکان در بدن / تغییر ناپذیری ذات**

گزینه (۴): **هر کس نتیجه اعمال خودش را خواهد دید.**

۲۰۵۸- گزینه (۲) در همه گزینه‌ها سخن از نالیدن عاشق است؛ پس

باید به دنبال مفهوم دقیق‌تری باشیم که در سه گزینه باشد و در یک گزینه

وجود نداشته باشد. مفهوم مشترک گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) این است که

ناله عاشق دل‌های همگان را به آتش می‌کشد. اما مفهوم گزینه (۲) متفاوت

است: **اندرداشتن ناله عاشق در دل معشوق.**

۲۰۵۹- گزینه (۳) مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)

بی‌توجهی عاشق به سرزنش و ملامت دیگران است. در گزینه (۳) مفهوم اصلی

این است که کسی که از عشق آگاهی ندارد عاشقان را ملامت و سرزنش می‌کند.

۲۰۶۰- گزینه (۴) در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) سخن از این است که

حیات انسان پس از مرگ هم ادامه دارد و مرگ پایان کار انسان نیست. در

گزینه (۴) سخن از ادامه‌داشتن زندگی نیست و فقط مولوی تأکید کرده است:

انسان عارف از مرگ و جدایی از عالم ماده غمگین نیست.

۲۰۶۱- گزینه (۴) در گزینه (۴) شاعر می‌گوید: **دلیم ادعای زیرکی**

داشت و محبوب آن را در زلف خود اسیر کرد و کشان‌کشان برد. پس سخن از

گرفتار شدن دل عاشق در زلف یار است علی‌رغم ادعای زیرکی عاشق. در سایر

گزینه‌ها مفهوم بازگشت به اصل مشترک است.

معنی گزینه (۲): **ای دل الهی تو از عالم بالا هستی، این عالم مادی را به مردم وابگذار.**

۲۰۶۲- گزینه (۲) در گزینه (۲) سخن از **پلاکشی عاشق و وفاداری و**

پایبندی اوست. در سایر گزینه‌ها مفهوم بی‌وفایی معشوق محور کلام است.

۲۰۶۳- گزینه (۲) مفهوم گزینه (۲) **حتمی بودن مرگ است و سعدی**

می‌فرماید: **یک جام در برابر سنگ سالم نمی‌ماند، انسان مانند جام است و روزگار**

مانند سنگ. در سایر گزینه‌ها مفهوم **غم‌نداشتن از مرگ مشترک است.**

۲۰۶۴- گزینه (۱) ابیات «ب» «ج» و «و» در مفهوم **مدارا و صلح و**

آشتی با همگان مشترک هستند و با عبارت سؤال تناسب مفهومی دارند.

مفهوم سایر ابیات:

«الف»: **بر ستمگران نباید رحمت کرد.**

«د»: **با تحمل سختی‌ها دل نرم می‌شود و آماده کسب بصیرت می‌شود.**

«ه»: **خوش‌داشتن جفای معشوق (هر چه از دوست رسد نیکوست)**

۲۰۶۵- گزینه (۱) در این گزینه، همه واژگان در معنی حقیقی خود به

کار رفته‌اند و بیت فاقد مجاز است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): **حس آمیزی: «غزل تر» ترکیب دو حس شنوایی و لامسه است. /**

گزینه (۳): **تشبیه: من به شمع / گزینه (۴): استعاره: به اشک توانایی دیدن**

نسبت داده شده، پس بیت تشخیص و استعاره دارد.

معنی گزینه (۴): **اشک وقتی دید که میان دل و دیده خون است، از آن میان**

بیرون جست و به کناری رفت.

۲۰۶۶- گزینه (۳) **تناقض: غرقه گشتن و در عین حال به آب آلوده نشدن /**

تناسب: بحر، آب و غرقه / ایهام تناسب: «آشنا» دو معنی دارد: آگاه و باخبر،

شناوری. در معنی «شناوری» قابل جای‌گذاری در بیت نیست؛ اما با بحر و آب

تناسب دارد و ایهام تناسب می‌سازد. این بیت دارای جناس نیست.

۲۰۶۷- گزینه (۴) در گزینه (۱) «ایران» مجاز از «مردم ایران» است و

بین «گرد» و «کرد» جناس ناهمسان برقرار است. در گزینه (۲) «سر» مجاز

«موی سر» است (زیرا موی سر سفید می‌شود، نه خود سر) و بین «سر» و «بر»

جناس ناهمسان وجود دارد. در گزینه (۳) «حلق» مجاز از «دهان» است و بین

«حلق» و «خلق» جناس ناهمسان آشکار است. در گزینه (۴) بین «آرام و رام»

جناس ناهمسان وجود دارد، اما خبری از مجاز در این بیت نیست.

۲۰۶۸- گزینه (۴) در این گزینه واژه «مهر» ایهام‌ساز است؛ اما در این

بیت فقط به معنی «محبت» به کار رفته است و در معنی «خورشید» قابل

قبول نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): **واژه «دوش» در انتهای بیت، در هر دو معنی «دیشب» و «کتف و**

شانه» قابل جای‌گذاری است؛ پس ایهام دارد.

گزینه (۲): «عزیز» با هر دو معنی «گرامی، محبوب» و «عنوان پادشاهان مصر

باستان» در بیت قابل جای‌گذاری است؛ در نتیجه ایهام دارد.

گزینه (۳): «عقیق یمنی از چشم من افتاد» حاوی دو معنی است: ۱- عقیق

یمنی (= استعاره از اشک خونین) از چشمان من سرازیر شد. ۲- عقیق یمنی

در نظرم بی‌اعتبار شد.

۲۰۶۹- گزینه (۴) در بیت نه حس آمیزی به کار رفته است و نه حسن

تعلیل دیده می‌شود.

بررسی آرایه‌های سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): **واج‌آرایی: تکرار صامت / ش / در بیت کاملاً محسوس است. /**

تشخیص: آب آتش به معنی آبروی آتش است.

گزینه (۲): **استعاره: «خورشید» استعاره از چهره، «شب» استعاره از زلف و**

«چشمه نوش» استعاره از لبان معشوق است. / ایهام تناسب: «آب» در مصراع

اول به معنی «آبرو» است، اما در معنی رایج آن (= آب نوشیدنی) با چشمه

ایهام تناسب می‌سازد.

گزینه (۳): **تلمیح: به داستان چشمه آب حیات. تضاد: آب و آتش؛**

خورشید و شب.

۲۰۷۰- گزینه (۱) گزینه (۲) با جناس ناهمسان، گزینه (۳) با حسن

تعلیل و گزینه (۴) با استعاره رد می‌شود.

بررسی آرایه‌های گزینه (۱):

تشبیه: **عشق رخ تو [همچون] دولت و سعادت باقی است. خاک درت**

[همچون] شربتی صافی است. عالم [همچون] سراب است. / تضاد: باقی (به

معنی جاودان) با فنا / جناس همسان: باقی در این بیت به ترتیب در معانی

«جاودان» و «بقیه» به کار رفته است: عشق رخ تو همچون سعادت [جاودان]

است و جز آن «بقیه» [آن چه در دنیاست] فنا و نیستی است.

۲۰۷۱- گزینۀ «۴» با توجه به مصراع اول، «سنگ» در مصراع دوم استعاره از غفلت است، ولی بیت فاقد تضاد است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): تشبیه: سیلاب سرشک (اضافه تشبیهی) / جناس: «دوش» در مصراع اول به معنی دیشب است و در مصراع دوم به معنی کتف و شانه.

گزینه (۲): حسن تعلیل: ستاره‌ها از آسمان به بیرون فرار می‌کنند، زیرا از تیر تو می‌ترسند، شاهد این سخنم نیز شهاب‌سنگ‌ها هستند! / تشخیص: ترسیدن ستاره

گزینه (۳): کنایه: «به دست جام داشتن» کنایه از شادنوشی و عیاشی است. / ایهام تناسب: «مدام» در این بیت به معنی پیوسته و دائمی است، اما در معنی شراب با جام تناسب دارد.

۲۰۷۲- گزینۀ «۴» بررسی ابیات:

«الف»: جناس: کس و بس / تناقض: فقط یار من در جهان هست و یار من در جهان نیست ← یک جناس و یک تناقض

«ب»: جناس: غریب در مصراع اول به معنی بیگانه و در مصراع دوم به معنی عجیب به کار رفته (همسان). / تناقض: در وطن خویش غریبم ← یک جناس و یک تناقض

«ج»: جناس: ۱- حریم و حرم ۲- حرم و گرم ۳- جان و جهان / تناقض: ندارد ← سه جناس و بدون تناقض

«د»: جناس: نوشم و پوشم / تناقض: به شادی غم می‌نوشم ← یک جناس و یک تناقض

۲۰۷۳- گزینۀ «۴» گزینۀ (۱) با مجاز، گزینۀ (۲) با حسن تعلیل و گزینۀ (۳) با پارادوکس رد می‌شود.

بررسی آرایه‌های گزینۀ «۴»:

تضاد: نیست و هست / جناس: مقصد و مقصود / واج‌آرایی: صامت / د / و صامت / س / / اغراق: شاعر در مصراع دوم با بیانی اغراق آمیز، دهان معشوق را از فرط کوچکی، «ناپدید» یا «هیچ» می‌انگارد. اغراق در کوچکی دهان یار، تا مرز هیچ‌پنداشتن آن، از تصاویر نسبتاً رایج ادبیات فارسی است. از حافظ بشنوید:

«هیچ است آن دهان و نبینم از او نشان

موی است آن میان و ندانم که آن چه موست»

۲۰۷۴- گزینۀ «۱» گزینۀ‌های (۲) و (۳) با جناس و گزینۀ (۴) با تشخیص رد می‌شوند.

بررسی گزینۀ (۱):

تشبیه: کِلک حافظ [همانند] شکرین میوه نبات است. / کنایه: [از این میوه] چیدن کنایه از بهره‌مند شدن و استفاده کردن است. / مجاز: کِلک (قلم) مجاز از شعر و سخن است. / استعاره: باغ: استعاره از آثار ادبی و ثمر استعاره از اشعار حافظ است.

۲۰۷۵- گزینۀ «۲» در این گزینه، تشخیص وجود دارد: «نسل غم» یعنی برای غم، نسل و دودمان قائل شده است، اما ایهام در بیت وجود ندارد و «پشت» فقط به معنی نژاد و اجداد قابل قبول است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): «باد» نخست در معنی «جابه‌جایی سریع هوا» و «باد» دوم، فعل داعی است. / تلمیح: به داستان فرهاد و شیرین، لیلی و مجنون.

گزینه (۳): «ای عشق»، «تیره دود» و «دودمان باد» همگی تشخیص دارند و استعاره. / واج‌آرایی: صامت / د / در مصراع دوم

گزینه (۴): تضاد: کوه و کاه / تشبیه: قصر بی شیرین به بیستون و کوه بی فرهاد به کاه. در این گزینه، «یاقوت» استعاره از «لب» است. نشانه

۲۰۷۶- گزینۀ «۴» مهمی که ذهن را از معنی حقیقی یاقوت منحرف می‌کند، واژه «تو» است: کار یاقوت تو ... در ضمن، یاقوت در معنی حقیقی خود، توانایی باده‌فروشی ندارد. آرایه‌های نوشته‌شده در مقابل سایر گزینه‌ها درست نیست.

۱. همان‌طور که می‌دانید، واج‌ها، صداها یا موجود در هر زبان است، بنابراین گاهی یک صدا، می‌تواند چند نماینده در حروف الفبا داشته باشد. در همین تست، منظور از صامت/س/، هر حرفی است که صدای «S» را داشته باشد؛ یعنی حروف «ص، س، ث» که هر سه یک صدا دارند.

در گزینۀ (۳) بین «هست» و «نیست» تضاد وجود دارد، اما خبری از متناقض‌نما نیست. حرف «که» در اواخر دو مصراع این بیت به معنی «بلکه» است.

۲۰۷۷- گزینۀ «۴» با آرایه تشخیص، گزینۀ‌های (۱) و (۲) با جناس

گزینه (۳) رد می‌شوند. در گزینۀ (۴)، بین ستاره، مه و آسمان مراعات نظیر است. «تا چه بزاید آسمان» و «کاری انجام‌دادن ستاره» تشخیص و استعاره دارد، همچنین «مه» استعاره مصرّحه از معشوق است و بین «ره و مه» جناس ناهمسان وجود دارد.

۲۰۷۸- گزینۀ «۴» «جیب مه» در گزینۀ (۴) را نمی‌توان تشخیص گرفت، زیرا «مه» استعاره از معشوق است و «جیب معشوق» تشخیص ندارد.

۲۰۷۹- گزینۀ «۴» گزینۀ (۱) با حسن تعلیل، گزینۀ (۲) با حس آمیزی و

گزینۀ (۳) با تشخیص رد می‌شود. بین «سایه» و «آفتاب» تضاد آشکاری هست، این که خورشید در برابر چهره معشوق همچون ذره است، اغراق دارد. در مصراع نخست، آفتاب به ذره تشبیه شده، هم‌چنین «حجاب سایه زلف» اضافه تشبیهی است. بین «چو» در مصراع اول و «تو» در مصراع دوم و نیز بین «بر» و «در» جناس ناقص برقرار است.

۲۰۷۹- گزینۀ «۳» با تلمیح، گزینۀ (۲) حذف می‌شود، زیرا در بیت «ه» تلمیح به کار نرفته است. با آرایه حس آمیزی گزینۀ‌های (۱) و (۴) رد می‌شوند، چرا که در بیت‌های «الف» و «ب» حس آمیزی وجود ندارد.

بررسی آرایه‌ها براساس پیشنهادها گزینۀ (۳):

«الف»: ایهام: «دوش» در مصراع دوم، با هر دو معنی «دیشب و کتف» قابلیت جای‌گذاری دارد: از اشتیاق زلف تو، دیشب شبی طولانی داشتم، اگر چه زلف سیاه تو، (۱) از دیشب نیز طولانی‌تر است (۲) از کتف نیز گذشته است.

«ب»: استعاره: «شربت» استعاره از سخنان شیرین و «شکر» استعاره از لب معشوق است.

«ج»: حس آمیزی: سخن نازک (شنوایی + لامسه) و سخن رنگین (شنوایی + بینایی)

«د»: تلمیح: به داستان آب حیات و پنهان بودن آن (این بیت حسن تعلیل زیبایی هم دارد).

«ه»: حسن تعلیل: علت بلندبودن درخت سرو آن است که قد و قامت یار را دیده است.

۲۰۸۰- گزینۀ «۴» این گزینه «واو» عطف و معطوف ندارد. تمام «واو»‌ها بین جملات و از نوع «پیوند هم‌پایه‌ساز (ربط)» هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): از امیر و از استیلای این دو سپاه‌سالار

عطف معطوف

گزینۀ (۲): زشت و مُحال

معطوف

گزینۀ (۳): چنین و چنین، چنین و چنین

معطوف معطوف

۲۰۸۱- گزینۀ «۴» «واو» در گزینۀ (۴) بین دو جمله و از نوع «پیوند هم‌پایه‌ساز (ربط)» است؛ یعنی واو عطف و در نتیجه نقش تبعی معطوف ندارد.

این گزینه نقش تبعی دیگری نیز ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): مهم‌ترین نوع ادبی اروپا و مهم‌ترین نوع ادبی جهان

معطوف

گزینۀ (۲): شوخی و خنده؛ نارسایی‌ها و ناروایی‌ها

معطوف معطوف

گزینۀ (۳): به مسائل وطن‌پرستی، (=) و بشردوستی، (=) و مخالفت با استعمار و تسلط بیگانگان، (=) و محبت به فرزندان و خانواده و آزادی‌خواهی شش معطوف در این گزینه وجود دارد.

همان‌طور که در گزینۀ (۳) دیدید، گاهی «ویرگول» کار «واو عطف» را می‌کند و گروه بعد از آن معطوف است.

نظیر: نازنین، مهسا، نیلوفر و نگار هم‌کلاسی هستند.

نهاد معطوف به معطوف به معطوف به
نهاد نهاد نهاد

۲۰۸۲- گزینۀ «۱» گزینۀ (۱) دو معطوف دارد: آزار و انکار، همدل و همدم
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۲): کوشش و جست‌وجو: یک معطوف؛
معطوف

«او» در «جست‌وجو»، «بخشی از خود واژه» و «او» پس از فعل «نرسید» پیوند
هم‌پایه‌ساز است.

گزینۀ (۳): «او» عطف و معطوف ندارد؛ هر دو «او» برای هم‌پایه‌کردن یا ربط
جمله‌ها هستند.

گزینۀ (۴): «او» عطف و در نتیجه معطوف ندارد: به خشم آمدند و مولانا را
پیوند هم‌پایه‌ساز

دیوانه [خواندند] و شمس را جادوگر خواندند.
پیوند هم‌پایه‌ساز

۲۰۸۳- گزینۀ «۴» او همان پیر و مرشدی است.
نهاد مسند معطوف به مسند

[او] تدریس و وعظ را رها کرد.
مفعول معطوف به مفعول

سایر معطوف‌های عبارت: به صحبت و خلوت نشست؛
متعم معطوف به متعم

در بر آشنا و بیگانه بست.
متعم معطوف به متعم

۲۰۸۴- گزینۀ «۲» در تمام قسمت‌های مشخص شده «او» عطف و
نقش تبعی معطوف داریم. نکته این‌جاست که معطوف لزوماً عطف به واژه

پیش از «او» نیست. گاهی هسته گروه‌ها به هم عطف می‌شوند و گاهی وابسته‌ها.
در گزینۀ (۲) «کنج» معطوف است و به هسته گروه پیش از خود عطف شده است:

سیر معنوی و کنج خانقاه برای تو بس است.
نهاد صفت عطف معطوف به نهاد

بی‌شک «کنج» صفت نیست و نمی‌تواند عطف به «معنوی» و هم‌نقش با آن باشد.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): از مه روی تو و [از] اشک چو پروین من است.
متعم معطوف‌الیه مضاف‌الیه معطوف به متعم

«اشک» هسته گروه خود است و عطف به هسته گروه قبلی شده و از نقش
آن تبعیت می‌کند.

گزینۀ (۳): طریق عشق پرآشوب و [پر] فتنه است.
مسند معطوف به مسند

گزینۀ (۴): گل، با لیبی و صد هزاران خنده به باغ آمد.
متعم صفت معطوف به متعم

هسته گروه «صد هزاران خنده» را باید معطوف به «لیبی» بدانیم چون دو گروه
به یکدیگر عطف شده‌اند.

۲۰۸۵- گزینۀ «۳» در تمام موارد، «او» عطف و نقش تبعی معطوف
وجود دارد.

در بیت‌های «الف»، «ج» و «د» معطوف، به واژه‌ای غیر از آن چه مشخص شده
عطف شده است.

«الف»: به نقش واژه‌ها دقت کنید:

از آب روان و سبزه و ... با من نگو.
متعم صفت عطف معطوف به متعم

در این‌جا هسته هر گروه از نقش هسته گروه دیگر تبعیت می‌کند؛ یعنی
«سبزه» به «آب» عطف شده است و هر دو متعم هستند. در واقع می‌توانیم

بگوییم از آب روان و از سبزه و ... اما اگر «سبزه» را به اشتباه معطوف به «روان»

بدانیم یعنی سبزه را با «روان» که صفت است، هم‌نقش دانسته‌ایم. آیا سبزه نیز
مانند روان صفت است؟ مسلماً خیر.

«ج»: از جفای فلک و جور زمان
متعم مضاف‌الیه عطف معطوف به متعم مضاف‌الیه

هسته‌ها به یکدیگر عطف شده‌اند. «جور» معطوف به «جفا» است. می‌توانیم
بگوییم: از جفای فلک و از جور زمان؛ اما اگر به اشتباه معطوف به فلک

بدانیدش مضاف‌الیه جفا می‌شود: جفای فلک و جفای جور!!
«د»: ناز بهشت و منت رضوان نمی‌کشد

مفعول مضاف‌الیه عطف معطوف به مفعول مضاف‌الیه

دو چیز را نمی‌کنند: ناز بهشت را و منت رضوان را! «منت» هسته گروه خود است
و عطف شده به «ناز» که هسته گروه پیش از «او» شده است. اما اگر به اشتباه

معطوف به «بهشت» بدانیدش، مضاف‌الیه ناز می‌شود: ناز بهشت و ناز منت!!
بررسی دو بیت دیگر:

«ب»: دامن تر تو و هم‌صحبتان تو،
مضاف‌الیه عطف معطوف به مضاف‌الیه

در این‌جا وابسته‌ها به یکدیگر عطف شده‌اند. هم‌صحبتان، معطوف به «تو»
است و هر دو مضاف‌الیه «دامن» هستند: دامن تو، دامن هم‌صحبتان تو

«ه»: جهان و کار جهان بی‌ثبات و بی‌محل است.
نهاد عطف معطوف به نهاد

هسته‌ها به یکدیگر عطف شده‌اند.
۲۰۸۶- گزینۀ «۲» اگر یک واژه، در یک نقش دو بار در جمله تکرار شود،
نقش تبعی تکرار دارد؛ گزینۀ (۲) فاقد نقش تبعی تکرار است.

بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینۀ (۱): کجا روم کجا من؟
قید تکرار

گزینۀ (۳): چو تخته‌پاره بر موج، من رها هستم، رها، رها.
مسند تکرار تکرار

گزینۀ (۴): به من هر آن که نزدیک است، من از او جدا هستم، جدا.
مسند تکرار

۲۰۸۷- گزینۀ «۴» مصراع دوم بیت گزینۀ (۴) یک جمله است که در
آن، یک واژه دو بار در یک نقش تکرار شده است.

دل است این، دل
مسند نهاد تکرار مسند

مقایسه کنید با بیت گزینۀ (۱) که «تکرار دستوری» ندارد:
مصراع اول: آن روزگار کو که مرا یار یار بود
که برای من، یار، یار بود.

متعم نهاد مسند

مصراع دوم: من از غم بر کنار (= آزاد و رها) [بودم] و او در کنار (= آغوش) بود.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ (۲): از نظر آرایه‌های ادبی «تکرار» دارد نه از نظر دستوری. (در مورد
ایهام این بیت هم در این‌جا سکوت می‌کنیم!)

گزینۀ (۳): نالان نالان کلاً یک قید است؛ نظیر: یواش یواش، پُرسان پُرسان.
۲۰۸۸- گزینۀ «۳» بیت گزینۀ (۳) نقش تبعی تکرار ندارد. به نقش
ضمیر «من» توجه داشته باشید:

غمانِ منِ دامن - زبانِ منِ دامن
مضاف‌الیه نهاد مضاف‌الیه نهاد

بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینۀ (۱): نرم شد نرم - رام شد رام
مسند تکرار مسند تکرار

۱. به این دلیل می‌گوییم «تکرار دستوری» تا این مبحث دستور زبانی را با «تکرار» در
آرایه‌های ادبی اشتباه نگیرید؛ هر چند که در اشعار، تکرار دستوری را می‌توان آرایه ادبی
نیز به حساب آورد.



گزینۀ (۲): در صدف جان دُری نیست به جز دوست دوست
متمم تکرار

گزینۀ (۴): زود خور زود
قید تکرار

در گزینۀ (۲) «اوست» با این که تکرار شده؛ اما نقش تبعی تکرار ندارد؛ زیرا «نقش تبعی» مربوط به گروه‌هاست، نه جملات.

۲۰۸۹- گزینۀ (۲) «علاءالدین کیقباد» توضیحی است برای «پادشاه سلجوقی روم» که با مکث همراه است و هر دو گروه نقش دستوری یکسانی دارند. با این توضیحات تمام شرایط «بدل» را دارد و نقش تبعی است: پادشاه سلجوقی روم، علاءالدین کیقباد، از مقامات او آگاهی یافت.

نهاد بدل

در مورد اغلب بدل‌ها، «این‌همانی» را هم در نظر بگیرید؛ یعنی در گزینۀ (۲) «علاءالدین کیقباد» همان «پادشاه سلجوقی روم» است، در صورتی که در گزینۀ (۴) «بهاءالدین» و «جلال‌الدین محمد» دو شخص متفاوت هستند و یکی نمی‌تواند بدل از دیگری باشد.

۲۰۹۰- گزینۀ (۱) گزینۀ (۱) بدل ندارد. «او شمس‌الدین تبریزی بود.» جمله دیگری است و نمی‌توانیم آن را بدل برای «آفتاب عشق و شمس حقیقت» بدانیم.

بدل در سایر گزینۀ‌ها:

گزینۀ (۲): سلطان ولد، فرزند مولانا
بدل

گزینۀ (۳): خواجه عبدالکریم، خادم خاص شیخ ما، ابوسعید بود.
نهاد مسند صفت بیانی مضاف‌الیه مضاف‌الیه بدل برای «شیخ‌ما»

در مورد این عبارت دقت داشته باشید که «ابوسعید» با «شیخ‌ما» رابطه «این‌همانی» دارد و هر دو یکی هستند؛ پس «ابوسعید» بدل از «شیخ‌ما» است. در بسیاری از موارد، در نظر گرفتن رابطه «این‌همانی» برای تشخیص بدل راهگشاست؛ مانند همین جمله که «ابوسعید» و «خادم خاص» دو شخصیت متفاوت هستند و «ابوسعید» نمی‌تواند بدل «خادم خاص» یا «خواجه عبدالکریم» باشد.

گزینۀ (۴): پدر جلال‌الدین، محمدبن حسین خطیبی، معروف به بهاءالدین ولد ...
نهاد بدل مفعول مفعول مفعول

۲۰۹۱- گزینۀ (۳)

«ب»: «بس» تنها مسند این بیت است: داریم و بس [است].

«د»: «هر» در گروه «هر روز» تنها صفت مبهم بیت است.

بررسی سایر موارد:

«الف»: یک «واو» عطف دارد: نامهربان و مهربان؛ «واو» در مصراع دوم، بین دو جمله آمده و پیوند هم‌پایه‌ساز است: داریم و بس [است].

«ج»: دو نقش تبعی دارد: ۱- نامهربان و مهربان: معطوف ۲- ما خود: بدل

۲۰۹۲- گزینۀ (۲) «خود» بدل است برای «تو» و با مکث بدلی همراه است: تو، خود، وصال دگر بودی ای نسیم وصال ...

۲۰۹۳- گزینۀ (۳) «سعدی شیرازی» بدل از «شاعر و نویسنده» است که مضاف‌الیه هستند.

«سعدی‌نامه یا بوستان اثر ارجمند شاعر و نویسنده ایرانی، سعدی شیرازی است.

نهاد مسند صفت مضاف‌الیه معطوف بدل از به مضاف‌الیه

بررسی سایر گزینۀ‌ها:

گزینۀ (۱): ویلیام بلیک، شاعر و نقاش رمانتیک، می‌گوید ...

نهاد بدل از نهاد

گزینۀ (۲): عاقبت، یکشنبه، پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ هجری قمری، ...

قید قید بدل از قید

گزینۀ (۴): این شیخ همیشه شاد، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی، ...

نهاد بدل از نهاد

۲۰۹۴- گزینۀ (۴) نقش تبعی در گزینۀ (۴) از نوع «بدل» است:

... بر زبر تخت نشست، مخنقه در گردن، عقدی همه کافور ...
بدل

بررسی سایر گزینۀ‌ها:

گزینۀ (۱): تر و تباہ: معطوف

گزینۀ (۲): علت و تب: معطوف

گزینۀ (۳): این مرد بزرگ و دبیر کافی: معطوف

۲۰۹۵- گزینۀ (۴) نقش‌های تبعی متن:

(۱) بدل: جان لوثجی بوفون، دروازه‌بان و کاپیتان تیم ملی ایتالیا و یوونتوس، ...

(۲) معطوف: دروازه‌بان و کاپیتان

(۳) معطوف: تیم ملی ایتالیا و یوونتوس

(۴) معطوف: پس از حذف مقابل تیم ملی سوئد و جاماندن ایتالیا از جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه

۲۰۹۶- گزینۀ (۴) متن سؤال، هر سه نوع نقش تبعی را دارد:

تکرار: انتظار! انتظار

معطوف: خوابگاه مرگ و جولانگاه هول، چشمۀ مواج و زلال نوازش‌ها، (و) امیدها و انتظار

بدل: آسمان، کشور سبز آرزوها، چشمۀ مواج و زلال نوازش‌ها، امیدها، ... (دو بدل دارد که با یکدیگر هم‌پایه‌اند.)

۲۰۹۷- گزینۀ (۲) دقت کنید که «خویشتن» در مصراع دوم گزینۀ (۲) مفعول است و «بدل» نیست:

به عید وصل تو، من خویشتن [را] قربان کنم.

مضاف‌الیه نهاد مفعول

بدل در سایر گزینۀ‌ها:

گزینۀ (۱): خود تو بگوی: «تو» بدل برای «خود»

گزینۀ (۳): گرچه من بنده ندارم خدمتی: «بنده» بدل برای «من»

گزینۀ (۴): بود سلطان جهان خود بنده‌اش: «خود» بدل برای «سلطان جهان»

۲۰۹۸- گزینۀ (۲)

خندان تو برون روی و گریان همه کس [برون روند] نقش تبعی ندارد.

پیوند هم‌پایه‌ساز

نقش تبعی در سه گزینۀ دیگر:

گزینۀ (۱): تو، خود، چه لعبتی ...

بدل

گزینۀ (۳): شب و روز

معطوف

گزینۀ (۴): باغ و گلستان

معطوف

۲۰۹۹- گزینۀ (۲) همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، صرف تکرار یک واژه

در بیت، نقش تبعی تکرار محسوب نمی‌شود.

«بر کوری [چشم] هر کوری»

متمم مضاف‌الیه (صفت پانشین موصوف)

در این جمله واژه‌های مشابه، هم‌نقش نیستند و نقش تبعی تکرار وجود ندارد.

«کوری» اول، «متمم» و «کوری» دوم، «مضاف‌الیه» است. «کوری» اول یعنی کوربودن اما «کوری» دوم در واقع یعنی یک آدم کور!

بررسی سایر گزینۀ‌ها:

گزینۀ (۱): لاف زنم لاف ... / ناز کنم ناز

تکرار تکرار

گزینۀ (۳): آسمان، خود کنون ز من خیره است.

بدل

گزینۀ (۴): زمین و چرخ

معطوف

۲۱۰۰- گزینه «۳»

ای مرغ دل که خسته و بی تاب هستی / دمساز باش با غم او دمساز
معطوف معطوف
تکرار

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): ظاهراً نقش تبعی «تکرار» دارد اما در واقع چنین نیست. این گزینه سه جمله دارد که در هر کدام، «عاشق» مسند است.

[من] عاشق هستم، [من] عاشق ستاره صبح هستم / [من] عاشق ابرهای
مسند مسند مسند

سرگردان هستم؛ زمانی نقش تبعی تکرار وجود دارد که یک واژه، در یک نقش و در یک جمله تکرار شود.

گزینه (۲): حسرت و ناکامی

معطوف

گزینه (۴): خلوت و سکوت

معطوف

۲۱۰۱- گزینه «۴»

عاشق و دیوانه؛ که او خود سوخت از درد محبت
معطوف بدل از «او»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): دو معطوف دارد: یکدل و یک‌روی، دورنگ و دورو / گزینه (۲): معطوف دارد: رنگ من و رنگ شب / گزینه (۳): نقش تبعی ندارد.

۲۱۰۲- گزینه «۳» بیت گزینه (۳)، چهار نقش تبعی دارد:

بلی توقع من، بنده، خود همین بوده است.

بدل از من بدل از توقع من

چه در قدیم و حدیث و چه در قلیل و کثیر («و» بعد از «حدیث»، حرف ربط است).
معطوف معطوف

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): نقش تبعی ندارد. (هر دو «او» هم‌پایه‌ساز هستند).

گزینه (۲): حال و کارش، مراد و کامش: دو نقش تبعی

معطوف معطوف

گزینه (۴): قهر و لطف: یک نقش تبعی

معطوف

۲۱۰۳- گزینه «۳»

ترکیب‌های اضافی: (۱) ریشه ظلم (۲) اظهار لطف (۳) فهرست اسم‌ها (۴) چهره سرباز (۵) پیشگاه امپراتور (۶) هنگام استراحت (۷) رمز عبور

۲۱۰۴- گزینه «۲»

ترکیب‌های اضافی: (۱) تابع علائق (۲) علائق خوانندگان (۳) توضیح وضعیت (۴) وضعیت خود

در گروه «توضیح وضعیت تاریخی خود»، این ترکیب‌ها را داریم: توضیح وضعیت، وضعیت تاریخی، وضعیت خود. از این ترکیب‌ها، اولی و سومی، اضافی هستند و دومی، وصفی.

۲۱۰۵- گزینه «۳»

هدفمان از طرح این تست، یادآوری این نکته است که برخلاف «مضاف‌الیه» که یک نقش دستوری است، «مضاف» نقش دستوری محسوب نمی‌شود. در جمله‌ها، «مضاف» یک ترکیب اضافی، نقش‌هایی از قبیل «نهاد - مفعول - متمم - مسند و قید» را می‌پذیرد.

گزینه (۳): نور زرد رنگ آن، قیافه گیلهمرد را روشن کرد؛

مفعول مضاف‌الیه

«قیافه گیلهمرد»، یک ترکیب اضافی است. «قیافه»، مضاف این ترکیب و هسته این گروه است که نقش مفعولی دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): فاقد مفعول است. «شنیده شد» فعل مجهول است و طبیعتاً مفعول ندارد. / گزینه (۲): مفعول این گزینه یک ترکیب وصفی است (نعره‌های عجیبی)، پس مضافی در کار نیست که بخواهیم نقش آن را بررسی کنیم (نعره‌ها موصوف است). / گزینه (۴): فاقد مفعول و ترکیب اضافی است.

۲۱۰۶- گزینه «۱»

۱- شعر حافظ ۲- زمان آدم ۳- باغ خلد ۴- زینت اوراق ۵- اوراق دفتر ۶- دفتر نسرین ۷- دفتر گل
«را» در این بیت «فک اضافه» است و گروه اسمی مصرع دوم بعد از بازگردانی، چنین می‌شود: زینت اوراق دفتر نسرین و گل.

اگر «را» حرف اضافه باشد یک ترکیب اضافی کم می‌شود، اما تأثیری در جواب تست ندارد: برای دفتر نسرین و گل، زینت اوراق بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): ۱- دم صبح ۲- صبح ازل ۳- آخر شام ۴- شام ابد

گزینه (۳): ۱- رشته تسبیح ۲- دستم ۳- دست من ۳- ساعد ساقی

گزینه (۴): ۱- حُسن مهریوان ۲- مهریوان مجلس ۳- بحث ما ۴- لطف طبع ۵- خوبی اخلاق

۲۱۰۷- گزینه «۳»

«الف» (۱) مردم تبریز (۲) خاندان وی (۳) اهل تبریز «ب»: (۱) یاران مولانا (۲) پژمردگی او (۳) دلتنگی او (۴) غیبت شمس (۵) کردار خود «ج»: (۱) شغل تدریس (۲) حضورش (= حضور او) (۳) مردم روزگار (۴) تقوای او (۵) زهد او

«د»: (۱) دیار روم (۲) تاخت‌وتاز سپاه (۳) سپاه مغول

«ه»: (۱) کسب علوم (۲) کسب معارف «برای» حرف اضافه است و واژه بعد از آن مضاف‌الیه نیست).

۲۱۰۸- گزینه «۲»

ترکیب‌های وصفی: (۱) واپسماندگی صنعتی (۲) کشورهای کم‌رشد (۳) این واقعیت (۴) طبقات مالک (۵) طبقات ... بومی؛ طبقات مالک بومی = طبقات مالک + طبقات بومی (طبقات بومی که مالک هستند). (۶) اموال غیرمنقول (۷) معاملات سوداگرانه (۸) صنعت مدرن ترکیب‌های اضافی: (۱) علی واپسماندگی (۲) واپسماندگی کشورها (۳) پول‌های خود (۴) ساختمان صنعت

۲۱۰۹- گزینه «۴» به خاک افکندی‌ام: من را به خاک افکندی.

مفعول

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): مرو از پی هر چه دل خواهدت: از پی هر چه دل تو خواهد، مرو.

مضاف‌الیه

نور جان کاهدت: نور جان تو را کاهد.

مضاف‌الیه

گزینه (۲): قبایش دریدند = قبای او را دریدند؛ نقش گروه را به هسته آن می‌دهیم نه به وابسته آن.

دستش = دست او

مضاف‌الیه

گزینه (۳): مهرش = مهر او؛ شمع جمال او را بکشت.

مفعول مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۲۱۱۰- گزینه «۲»

هاتف غیب به مزده گفت ← هاتف غیب، به مزده، به من گفت

متمم

دوا می‌فرستمت ← برای تو دوا می‌فرستم.

متمم

۲۱۱۱- گزینه «۳»

در مصرع اول، هر دو ضمیر پیوسته «ت» در نقش مضاف‌الیه هستند. اولی به مضاف خود چسبیده است: تنت = تن تو، اما دومی جابه‌جا شده است و «من تو» معنی نمی‌دهد. در بازگردانی بیت، مضاف آن مشخص می‌شود:

ره می‌زند سوی منت: سوی من رَهت را می‌زند؛ یعنی راحت را به سوی من تغییر می‌دهد. راه‌زدن به معنی گمراه‌ساختن یا قطع کردن راه است.

۲۱۱۲- گزینه «۱»

۲۱۱۳- گزینه «۴»

کتاب «اسرار التوحید» در شرح حال شیخ ابوسعید ابوالخیر عارف قرن چهارم و پنجم اثر محمّدین منور است. «تاریخ بیهقی» از ابوالفضل بیهقی و «تحفة الاحرار» و «بهارستان» از جامی هستند.

۲۱۱۴- گزینۀ «۱» محمّدحسین خطیبی معروف به بهاء ولد، پدر

جلال‌الدین مولوی، از دانشمندان قرن ۶ و ۷ بوده است.

۲۱۱۵- گزینۀ «۴» در صفحه ۶۷ کتاب یازدهم خواندید که جلال‌الدین

محمّد مولوی در خردسالی در هنگام عبور از شهر نیشابور با «عطار» دیدار داشته و او کتاب «اسرارنامه» خود را به مولانا هدیه داده است.

۲۱۱۶- گزینۀ «۳»

۲۱۱۷- گزینۀ «۳» سلطان علاء‌الدین کیقباد، پادشاه سلجوقی وقتی

آوازه تقوا و پرهیزکاری بهاء‌الدین ولد را می‌شنود از او درخواست می‌کند به قونیه بیاید و به او بیوندد.

۲۱۱۸- گزینۀ «۲» به دلیل این که شمس زیاد مسافرت می‌کرد،

هم‌چنین به دلیل جست‌وجو در عالم معنا به او «شمس پرنده» لقب داده بودند.

۲۱۱۹- گزینۀ «۴» بنا بر نوشته‌ها و روایات، کسی که از مولانا درخواست

می‌کند کتابی به شیوه «الهی‌نامه» سنایی یا «منطق‌الطیر» عطار برای هدایت مریدان بسراید، حسام‌الدین چلبی بوده است.

۲۱۲۰- گزینۀ «۴» این سؤال براساس اطلاعات تاریخ ادبیاتی درس

هشتم طرح‌ریزی شده است. در پاراگراف اول صفحه ۷۰ خوانده‌اید که حسام‌الدین از مولانا خواست کتابی به‌طرز «الهی‌نامه» سنایی یا «منطق‌الطیر» عطار به نظم آورد.

۲۱۲۱- گزینۀ «۳» این دو بیت از «شعرخوانی» درس هفتم فارسی ۲

انتخاب شده است. درون‌مایه این ابیات، عارفانه و با توجه به وزن و اشاره صورت سؤال به انتخاب از ابیات آغازین شعر - که نشان می‌دهد تعداد ابیات این قطعه شعر، بیش از دو بیت است - و وجود قافیه در مصراع‌های ۱، ۲ و ۴، قالب آن غزل یا قصیده است. «لیلی و مجنون»، «مثنوی معنوی» و «فرهاد و شیرین»، هر سه در قالب مثنوی سروده شده‌اند و این ابیات با توجه به توضیحات بالا نمی‌تواند مربوط به این سه کتاب باشد. مجموعه غزلیات عارفانه مولوی (مولانا)، «غزلیات شمس» نام دارد که این ابیات، برگرفته از آغاز یکی از این غزلیات است. البته وزن این ابیات را ممکن است فقط دانش‌آموزان علوم انسانی تشخیص بدهند که البته برای انتخاب گزینۀ صحیح، ضرورت ندارد و جای نگرانی نیست.

ما مروج این نوع سؤال نیستیم؛ اما با توجه به سؤال تاریخ ادبیات طرح‌شده در برخی گروه‌های آزمایشی در کنکور ۱۳۹۹ از شما می‌خواهیم نگاهی کلی به اشعار کتاب‌های درسی، خصوصاً «شعرخوانی»ها از منظر درون‌مایه، قالب و شاعر آنها داشته باشید.

۲۱۲۲- گزینۀ «۳»

۲۱۲۳- گزینۀ «۳» «فرهاد و شیرین» مثنوی‌ای عاشقانه از وحشی

باقی است؛ «تحفه‌الاحرار» اثری است به نظم در قالب مثنوی از جامی و «منطق‌الطیر» هم مثنوی‌ای عرفانی از عطار است.



لغت و معنی

واژگان موجود در واژه نامه

مناسک: جمع منسک؛ اعمال عبادی، آیین‌های دینی	متفق: همسو، هم‌عقیده، موافق	کبریا: بارگاه خداوندی، [عظمت]
وعظ: اندرز، پنددادن	مرشد: آن که مراحل سیر و سلوک را پشت سر	شبگرد: شب‌رو
عازم: رهسپار، راهی	گذاشته و سالکان را راهنمایی و هدایت می‌کند؛ مُراد،	تشییع: همراهی و مشایعت کردن جنازه تا گورستان
شریعت: شرع، آیین، راه دین؛ مقابلِ طریقت	پیر، مقابلِ مُرید و سالک	رضوان: بهشت، نام فرشته‌ای که نگهبان بهشت است.
محضر: محل حضور، مجازاً مجلس درس یا مجلسی	صنم: بُت، معشوق زیبارو (مجازاً)	قَدَسَ اللّٰهُ رُوْحَهُ الْعَزِيزِ: خداوند، روح عزیز او را پاک
که در آن، سخنان قابل استفاده گفته می‌شود.	خوش‌لقا: زیبارو، خوش‌سیما	گرداند.
زهد: پارسایی، پرهیزگاری	ملک: فرشته	

طعن: نیزه‌زدن، سرزنش کردن، ملامت	صحبت: همدمی، هم‌نشینی	خطیب: سخنران، واعظ
تماشا: گشت و گذار، سیر و تفریح	زاهد: پارسا، پرهیزگار	بهاء: درخشندگی، رونق، شکوه، ارزش
جمله: همه، همگی	حریف: همدم، رفیق، همنشین	جلال: شکوه، عظمت
مرثیه: شعر یا سخنی که در سوگ مرده خوانده شود، نوحه‌سرایی	گریزیا: فراری	رهسپار: راهی، روانه، عازم
نوحه‌سرایی	غوغا: آشوب و هیاهو، مردم فرومایه و آشوب‌طلب	فرید: یگانه، یکتا
بدیع: شگفت، نو، نادر	افغان: فریاد و زاری	علا: بلندی، بزرگی، شرف
تلخیص: خلاصه کردن	اشتیاق: میل و آرزو داشتن به دیدار محبوب	مقامات: درجات
خوش‌الحان: خوش آواز، خوش‌نوا	حُسام: شمشیر تیز و بَران	شهریار: پادشاه، فرمانروای شهر
گلشن: باغ، روضه، گلزار	سنا: روشنایی، فروغ	دیار: خانه، محل، سرزمین، شهر
رُستن: روییدن، نمودن	منطق‌الطیر: زبان مرغان	خاتون: بانو، خانم
خطاب: سخن رو در رو گفتن	دستار: عمامه، سربند، شال دور سر	مُرید: خواهنده، ارادتمند، سالک، پیرو؛ مقابل مرشد
لین: نرم	سیرت: خلق و خو، مذهب	ارشاد: راهنمایی، راه درست را نشان دادن
خواجه: بزرگ، سرور	مطلق: بی قید و شرط؛ خیر مطلق: خیر و نیکی محض	مشایخ: جمع مشیخه؛ پیران، عالمان و مرشدان

جدول روابط معنایی

هم‌آواها / کلماتی که نباید به جای هم به کار ببریم.	روابط معنایی
نواحی: جمع ناحیه؛ اطراف / نواهی: جمع نهی و ناهیه؛ نهی شده‌ها خُرد: کوچک، اندک / خورد: بلعید، فروبرد خواست: تقاضا کرد / خاست: بلند شد سنا: نور، روشنایی / ثنا: ستایش، آفرین، تمجید آسرار: جمع سَرّ؛ رازها / اصرار: پافشاری صلاح: خیر و نیکی / سیلاح: ابزار جنگ	ترادف ← کوی و برزن - عازم و رهسپار - سالک و راهرو - متفق و موافق - طعن و ملامت - فز و شوکت - طرز و نمط - پیر و مرشد - مرید و سالک - قهر و غضب - لقا و سیما - بدیع و غریب - وعظ و اندرز - شبگرد و شبرو تضاد ← خُرد و کلان - مرشد و مرید - شریعت و طریقت - انکار و اجابت - عبد و خواجه - رضوان و دوزخ

کلمات هم‌اشاری و هم‌خانواده

مُصلح، صلاحیت حسام‌الدین چلبی طرز و قاعده (قاعدۀ ← قواعد) الهی‌نامه سنایی منطق‌الطیر عطار (منطق ← نطق، ناطق) دستار و عمامه نظم مثنوی (نظم ← ناظم، منظم، تنظیم، منظومه) سیرت و صورت (صورت ← تصویر، صُور (صورت‌ها)، (مُصوّر نقاش)، تصوّر، متصوّر) صلح‌طلبی و سازش (صلح ← مصالحه) حسن و خیر مطلق (مُطلق ← اطلاق) طعن و ناسزا (طعن ← طعنه، طاعن، مطعون (سرزنش‌شده)) عزم تماشا (عزم ← عزیمت، إعزام) خویشان و پیوستگان مهتر و قافله‌سالار (قافله ← قوافل) خُرد و کلان تشییع جنازه (تشییع ← مشایعت) مرثیه و تعزیه (مرثیه ← رثا، مراثی (جمع مرثیه؛ سوگ‌نامه‌ها))	طالبان علوم شریعت (شریعت ← شرع، شارع، تشریح، متشرع) محرر استاد (محرر ← حضور، حاضر) متفق و هم‌عقیده (متفق ← اتفاق) زهد و زاهد (زهد ← زهاد) علوم و معارف (معارف ← عارف، عرفان) سیر و تفریح (سیر ← مسیر) صحبت و خلوت (صحبت ← مصاحبت، مصاحب) غوغا و هیاهو قهر و غضب (قهر ← قاهر، مقهور / غضب ← مغضوب) بُت و صنم (صنم ← اصنام) خوش‌لقا و خوش‌سیما (لقا ← مُلاقی) «دیدارکننده»، ملاقات، تلاقی) انقلابِ احوال مولانا (انقلاب ← قلب، منقلب، مقلوب) افغان و زاری (افغان ← فغان) اشتیاق و انتظار (انتظار ← نظر، ناظر، منظور، منتظر) صلاح‌الدین زرکوب (صلاح ← اصلاح،	ملقب و معروف (ملقب ← لقب، القاب / معروف ← عَرف، عارف، مُعَرَف) خطیب و واعظ (خطیب ← خطبه، مخاطب، خطاب، خطاب / واعظ ← وعظ، وعاظ، موعظه، مواعظ) بهاء‌الدین ولد و فریدالدین عطار (عطار ← عطر، معطر) جلال‌الدین خُردسال عازم و رهسپار (عازم ← عزم، عزیمت) هول و هراس (هول ← هایل (ترسناک)) بی‌رحمی مغول (رحم ← رحیم، رحمت، مرحمت، مراحم) مناسک حج (مناسک ← منسک) نواحی شام (نواحی ← ناحیه) علاء‌الدین کبکباد (علاء ← عالی، عالی، اعلیٰ، عُلو، مُعَلّی) مقامات و کرامات صاحب بصیرت (بصیرت ← بصر، ابصار) گوهر خاتون سمرقندی اصرار و الحاح (اصرار ← مُصر) حَلَب و قونیه
--	--	---

بدیع الزمان فروزانفر (بدیع ← بدعت، مُبدع، ابداع)
تلخیص و تغییر (تلخیص ← مُلَخَّص (خلاصه شده))
نقش تبعی معطوف (تبعی ← تابع، متبوع، تبعیت، تبعه، اتباع)

دریغ و افسوس
مرغ خوش الحان (الحان ← لحن)
طغیان و عصیان (طغیان ← طاغی (نافرمان، سرکش) / عصیان ← عاصی، معصیت)
اسرار التوحید، روضه رضوان (أسرار ← بیز / رضوان ← راضی، مرضیه)

قَدَسَ اللّهُ رَوْحَهُ العزیز (قَدَسَ ← مقدّس، تقدیس، قُدّوس)
سالک و راهرو (سالک ← سلوک، مسلوک (رفته شده، طی شده)، سیلک، مسالک)
مراحل سیر و سلوک

مفهوم، آرایه و دستور

رکوی عاشقان

محمد ملقب به جلال الدین، مشهور به مولانا یا مولوی، اوایل قرن هفتم در شهر بلخ به دنیا آمد.

نکته و توری: نقش های تبعی ← محمد، ملقب به جلال الدین، مشهور به مولانا یا مولوی
نهاد بدل از «محمد»
مرف عطف معطوف به مولانا
بدل از «محمد»

زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند.

مفهوم: سخن عشق، جان عاشقان را به سوز و گداز می آورد.

آرایه: کنایه: آتش در کسی زدن ← شیفته و بی قرار کردن کسی / استعاره (مصرّحه): سوختگان ← عاشقان / تناسب: آتش و سوختگان

ناگهان آفتاب عشق و شمس حقیقت در برابرش نمایان شد.

آرایه: استعاره (مصرّحه): آفتاب عشق و شمس حقیقت ← شمس تبریزی

با همه علم و استادی خویش در این ایام که حدوداً سی و هشت ساله بود؛ خدمت شمس زانو زد و نوآموز گشت.

مفهوم: شاگردی کردن در مکتب عشق با وجود عالم و استاد بودن

آرایه: کنایه: زانو زدن در برابر کسی ← علم آموزی و پذیرش استادی آن شخص

نکته و توری: انواع «واو» ← علم و استادی، سی و هشت ساله، زانو زد و نوآموز گشت.

مرف عطف معطوف میانوند پیوند هم پایه ساز

مولانا آن چنان در معارف شمس غرق شد که مریدان خود را از یاد بُرد.

آرایه: استعاره (مکنیه): معارف ← دریایی که می توان در آن غرق شد.

در این میان، با بی توجهی به ملامت و هیاهوی مردم، خود را با سرودن غزل های گرم و پرسوز و گداز عاشقانه سرگرم می کرد.

مفهوم: بی توجهی به ملامت دیگران در راه عشق

آرایه: حس آمیزی: غزل های گرم / کنایه: سرگرم کردن ← مشغول کردن

نکته و توری: نقش های تبعی ← به ملامت و هیاهو، غزل های گرم و پرسوز و گداز

متمم معطوف به متمم صفت معطوف به صفت

بروید ای حریفان، بکشید یار ما را به من آورید آخر صنم گریزیا را

مفهوم: بازگرداندن یاری که دوری گزیده است.

آرایه: استعاره (مصرّحه): صنم ← یار / جناس: ما، پا، را (ناقص) / کنایه: گریزیا ← فراری و رمنده / واج آرایی: صامت / ر /

به ترانه های شیرین، به بهانه های زرتین بکشید سوی خانه، مه خوب خوش لقا را

مفهوم: بازگرداندن یار با وعده های دلنشین

آرایه: حس آمیزی: ترانه های شیرین / استعاره (مصرّحه): مه ← یار / واج آرایی: تکرار صامت / خ / در مصراع دوم

نکته و توری: به ترانه های شیرین، به بهانه های زرتین / ترکیب های وصفی: ۱- ترانه های شیرین ۲- بهانه های زرتین ۳- مه خوب ۴- مه خوش لقا

معطوف

ویرگول یا مکث بین دو گروه
اگر جایگزین «و» باشد
به منزله «واو» عطف است.

اگر او به وعده گوید که دمی دگر بیایم همه وعده مکر باشد، بفریید او شما را

مفهوم: هزار وعده خوبان یکی وفا نکند.

آرایه: واج‌آرایی: صامت‌های / د، / گ، / ک / (چون هم‌واجگاه هستند، با هم گرفتیمشان).

شمس ناگزیر دل از قونیه بر کند.

آرایه: کنایه: دل برکندن ← قطع امید کردن

مولانا در دمشق، پیوسته به افغان و زاری و بی‌قراری شمس را از هر کوی و برزن جست‌وجو می‌کرد و نمی‌یافت.

مفهوم: زاری کردن عاشق در دوری معشوق و جست‌وجو کردن او در هر جا

کنایه و ستوری: معطوف‌ها: زاری - بی‌قراری - برزن / «و» در «جست‌وجو» بخشی از خود واژه (میانوند) است.

همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت، او را بردباری و تحمل عظیم بخشید.

مفهوم: صبوری عاشق

کنایه و ستوری: «را» حرف اضافه است: او را ← به او / نقش‌های دستوری ← همین حالت صلح و یگانگی با عشق و حقیقت، به او
صفت اشاره نوار / مضاف‌الیه معطوف به متقم معطوف متقم
مضاف‌الیه مضاف‌الیه به متقم

بردباری و تحمل عظیم بخشید.

مفعول معطوف صفت بیانی
به مفعول

طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حسن خلق آنان را به راه راست می‌آورد.

مفهوم: رفتار نادرست دیگران را با نرمی و مهربانی پاسخ‌دادن

آرایه: حس آمیزی: جواب تلخ / کنایه: به راه راست آوردن ← هدایت کردن

کنایه و ستوری: «را» در جمله اول، حرف اضافه به معنی «به» و در جمله دوم نشانه مفعول است. / معطوف‌ها: طعن و ناسزا - به نرمی و حسن خلق

هر نفس آوازِ عشق می‌رسد از چپ و راست ما به فلک می‌رویم، عزم تماشا که راست؟

مفهوم: نغمه عشق در همه هستی، ساری و جاری است. / کمال‌بخشی عشق

آرایه: تشخیص: (آواز) عشق / مجاز: چپ و راست ← همه جای جهان هستی / کنایه: به فلک رفتن ← تعالی و عروج معنوی / جناس: راست

و راست (⊖ را است) (تام)

کنایه و ستوری: عزم تماشا که راست ← عزم تماشا برای چه کسی وجود دارد؟

نوار متقم فعل غیر اساری

ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم باز همان‌جا رویم، جمله که آن شهر ماست

مفهوم: بازگشت به اصل ⊖ اصل انسان از عالم معناست.

آرایه: سجع و جناس: فلک و ملک (جناس ناقص) / تلمیح: اشاره به آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن ترکِ مینِ خرابِ شبگرد مبتلا کن

مفهوم: تقاضای عاشق برای تنهایی و خلوت

آرایه: کنایه: سر به بالین نهادن ← استراحت کردن / واج‌آرایی: مصوّت / - / - مصوّت / /

کنایه و ستوری: ترکیب‌های وصفی: ۱- من خراب ۲- من شبگرد ۳- من مبتلا

دردی است غیر مردن، کان را دوا نباشد پس من چگونه گویم کاین درد را دوا کن

مفهوم: درد عشق درمان ندارد.

آرایه: تضاد: درد و دوا / تکرار: درد و دوا / واج‌آرایی: صامت / د

کنایه و ستوری: نوع «را» ← آن را دوا نباشد: برای آن دوا وجود ندارد؛ «نباشد» در این‌جا فعل اسنادی نیست. / این درد را دوا کن.

حرف اضافه متقم نوار مفعول نشانه مفعول

در خواب دوش، پیری در کوی عشق دیدم با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن

مفهوم: بشارت یافتن برای مرگ و رهاشدن از دنیای مادی

آرایه: جناس: کوی و سوی (ناقص) / ایهام تناسب: دوش ← ۱- دیشب (ق ق) ۲- شانه (غ ق ق)، متناسب با دست / تشبیه: کوی عشق (اضافه تشبیهی) **کنیه و ستوری:** نقش ضمیر پیوسته ← «اشارتم» کرد (=) به من اشارت کرد. متقم

خورشید عمر مولانا نیز از این جهان به جهان آخرت سفر کرد.

آرایه: تشبیه: خورشید عمر (اضافه تشبیهی) / تشخیص: (سفرکردن) عمر

به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد گمان مبر، که مرا درد این جهان باشد

مفهوم: انسان عارف از مرگ و خلاص شدن از جهان مادی غمی ندارد.

آرایه: کنایه: درد چیزی را داشتن ← برای آن چیز ارزش قائل بودن / واج آرایه: صامت / ر / **کنیه و ستوری:** مرا درد این جهان باشد ← برای من درد این جهان وجود دارد (هست). متقم نهاد فعل غیر اسنادی

برای من مگرِی و مگو دریغ! دریغ آن باشد

مفهوم: مرگ افسوس و حسرتی ندارد / گرفتار نفس و شیطان بودن مایه افسوس است.

آرایه: کنایه: به دام دیو افتادن ← فریب شیطان را خوردن / واج آرایه: تکرار صامت / د / **کنیه و ستوری:** مگرِی: فعل نهی از مصدر گریستن / نقش تبعی ← مگو دریغ دریغ مفعول تکرار تبعی مفعول

کدام دانه فرورفت در زمین که نرُست؟ چرا به دانه انسانیت این گمان باشد

مفهوم: مرگ پایان حیات انسان نیست و عالم دیگری هم وجود دارد.

آرایه: تشبیه: دانه انسان (اضافه تشبیهی) / پرسش انکاری: کدام دانه فرورفت...؟ ← هیچ دانه‌ای فرورفت... / واج آرایه: صامت / ن / **کنیه و ستوری:** نقش‌های دستوری مصراع دوم ← چرا این گمان به دانه انسان برای تو وجود دارد؟ قید نهاد متقم متقم فعل غیر اسنادی

کارگاه متن پژوهی

بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی / «رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن»

مفهوم: دعوت به هشیاری و آگاهی و رهایی از غفلت

آرایه: مجاز: زمان ← مردم زمان / تضاد: بیداری و خواب / کنایه: مرد خواب و خفت ← انسان رفاه طلب - سر بنه به بالین ← آسوده باش / تضمین: «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن» مصراعی است از مولانا که استاد دکتر شفیع کدکنی آن را تضمین کرده است.

چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم

مفهوم: بازگشت به اصل (انسان به عالم معنی تعلق دارد نه به عالم خاک)

آرایه: استعاره (مصرّحه): قفس ← دنیا / تناسب: گلشن و چمن / تشبیه: من به مرغ آن چمن (=) پرنده بهشتی / تضاد: قفس (=) دنیا و گلشن رضوان (=) بهشت / مجاز: چمن ← رضوان، باغ، بهشت / تناسب: مرغ و قفس

إذهباً إلى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى، فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا.

مفهوم: با ملایمت با دشمن رفتار کردن

کنج حکمت: چنان باش...

خواجه عبدالکریم، که خادم خاصّ شیخ ما، ابوسعید - قَدَسَ اللهُ رُوْحَهُ الْعَزِيزَ بُوَد ...

کنیه و ستوری: «ابوسعید» بدل از «شیخ ما» است.

یا عبدالکریم! حکایت نویس مباش، چنان باش که از تو حکایت کنند.

مفهوم: تلاش برای رسیدن به درجه‌ای که از انسان به نیکی یاد کنند.

پدیدآورنده	قالب	اثر
بدیع الزمان فروزانفر	نثر (معاصر)	زندگانی جلال الدین محمد مشهور به مولوی
سنایی	نظم (مثنوی)	الهی نامه ^۱
عطار	نظم (مثنوی)	اسرارنامه
عطار	نظم (مثنوی)	منطق الطیر
محمّدبن منور	نثر	اسرار التوحید

در متن درس هشتم به «الهی نامه»، «اسرارنامه» و «منطق الطیر» و پدیدآورندگان آن‌ها اشاره شده است.

نکات تاریخ ادبیاتی درس «در کوی عاشقان»^۲

- محمّد ملقب به جلال الدین مولانا ← اوایل قرن ۷ در بلخ به دنیا آمد.
 دلیل شهرت او به رومی و مولانای روم ← اقامت طولانی او در شهر قونیه بود.
 بهاء الدین ولد ← محمّدبن حسین خطیبی، پدر جلال الدین محمد ← از دانشمندان روزگار بود.
 ملاقات مولوی و عطار ← وقتی مولانا ۵، ۶ ساله بود به قصد سفر حج با خانواده رهسپار شد. در نیشابور شیخ فریدالدین عطار را ملاقات کرد. عطار، کتاب اسرارنامه را به جلال الدین هدیه داد و به بهاء الدین گفت: زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند.
 پادشاه سلجوقی روم (علاء الدین کیقباد) ← از بهاء الدین ولد خواست به قونیه برود و در آن جا ساکن شود.
 در هجده سالگی جلال الدین با «گوهر خاتون» سمرقندی ازدواج کرد و در بیست و چهار سالگی پدرش (بهاء الدین ولد) را از دست داد و مجالس درس و وعظ او را به عهده گرفت. هفت سال در حلب و دمشق به تحصیل دانش و معرفت گذراند. به قونیه بازگشت و به تدریس علوم پرداخت.
 شمس الدین تبریزی ← در ۲۶ جمادی الآخر سال ۶۴۲ ه. ق وارد قونیه شد. وی عارفی کامل و از مردان حق بود. از مردم تبریز بود و بسیار مسافرت می کرد. به دلیل سیر و سفر هم چنین جست و جو در عالم معنا به او «شمس پرده» می گفتند. مولانا مرید شمس می شود و ۴۰ روز با او به خلوت می نشیند.
 رفتن شمس ← شمس به دلیل حسادت و آزار شاگردان و یاران مولانا به دمشق می رود.
 سلطان ولد ← فرزند مولانا که برای بازگرداندن شمس به دمشق می رود. شمس پس از بازگشت به قونیه دوباره مورد حسادت و خشم یاران و مریدان مولانا قرار می گیرد و دل از قونیه برمی کند.
 سرانجام شمس ← بعد از غیبت دوم شمس، سرانجام و عاقبت کار او و این که چه بر سر او آمده روشن نیست. پس از شمس یعنی از سال ۶۴۷ ه. ق تا سال وفات (۶۷۲ ه. ق) مولانا به نشر معارف الهی مشغول بود.
 شیخ صلاح الدین زرکوب ← از شاگردان و یاران نزدیک مولانا
 حسام الدین چلبی ← از شاگردان مولانا که انگیزه سرودن کتاب مثنوی معنوی شد.
 وی از مولانا خواست کتابی به طرز الهی نامه سنایی یا منطق الطیر عطار به نظم آورد.
 سعدی و فخر الدین عراقی ← از شاعران و هم روزگاران مولانا بودند که ظاهراً با مولانا ملاقات داشته اند.
 مولانا روز یکشنبه ۵ جمادی الآخر سال ۶۷۲ ه. ق وفات یافت.